



تحلیل اثرات اختلالات رفتاری و اختلالات عاطفی فصلی بر قضاوت حرفه ای حسابرسان

علی صادقی^۱

احمد خدایی پور^۲

امید پورحیدری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

چکیده

از آنجا که حسابرسان حرفه‌ای است که نیازمند دقت در جزئیات، قضاوت صحیح و تحلیل داده‌های مالی پیچیده است، وضعیت روحی و روانی حسابرسان می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر آن داشته باشد. این تحقیق اثرات اختلالات رفتاری و عاطفی فصلی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را بررسی کرده است. در مجموع ۱۷۸ پرسشنامه از حسابرسان در بخش‌های مختلف جمع‌آوری شد. نتایج نشان می‌دهد اختلالات رفتاری و عاطفی فصلی قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهند. به طوریکه، اختلالات رفتاری اضطراب و افسردگی، انگیزه و تمرکز را کاهش داده و منجر به کم‌توجهی به جزئیات مهم می‌شود، در حالیکه اختلال کمبود توجه می‌تواند پردازش اطلاعات پیچیده را مختل کند. همچنین، اختلالات عاطفی فصلی با نوسانات خلق و خو و انرژی در طول سال این چالش را تشدید می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که در دوران‌هایی که شدت این اختلالات بیشتر است، حسابرسان ممکن است به اشتباهات بیشتری دچار شوند که می‌تواند بر دقت گزارش‌های حسابرسان تأثیر منفی بگذارد. همچنین، شرایط فصلی ممکن است بر کیفیت روابط حرفه‌ای و تعاملات تیمی حسابرسان نیز تأثیر منفی بگذارد. یافته‌ها بر لزوم حمایت مؤسسات حسابرسان از سلامت روان و ارائه برنامه‌های آموزشی برای مدیریت این چالش‌ها تأکید دارند. در نهایت، بررسی ارتباط میان اختلالات رفتاری و قضاوت حرفه‌ای برای افزایش قابلیت اطمینان حسابرسان و ایجاد محیط کاری سالم‌تر در حسابداری ضروری است. این تحقیق به ادبیات فزاینده درباره ارتباط سلامت روان و عملکرد حرفه‌ای در حسابداری افزوده است.

واژه‌های کلیدی: اختلالات رفتاری، اختلالات عاطفی، قضاوت حرفه ای حسابرسان.

۱ گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. a.sadeghi6031@iau.ir

۲ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

khodamipour@uk.ac.ir

۳ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. opourheidari@uk.ac.ir



۱- مقدمه

در زمینه حسابرسی، قضاوت حرفه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا حسابرسان وظیفه ارزیابی صحت و عادلانه بودن صورت‌های مالی، ارزیابی انطباق با استانداردهای نظارتی و شناسایی خطرات احتمالی را دارند (دنگ و همکاران و همکاران، ۲۰۲۳^۱، کمال غریبی و همکاران، ۲۰۲۳^۲، حقیقی و همکاران، ۲۰۲۴^۳). این نقش نه تنها به مهارت فنی بلکه به توانایی تصمیم‌گیری صحیح بر اساس تجزیه و تحلیل دقیق و تفکر انتقادی نیاز دارد. با این حال، اثربخشی قضاوت حرفه‌ای حسابرس می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر عوامل روانی مختلف، به‌ویژه اختلالات رفتاری و اختلالات عاطفی فصلی قرار گیرد. درک تأثیر این اختلالات نه تنها برای خود حسابرسان بلکه برای شرکت‌هایی که به آنها خدمت می‌کنند و اکوسیستم مالی گسترده‌تر ضروری است. اختلالات رفتاری می‌تواند به طرق مختلف ظاهر شود و بر ظرفیت فرد برای تمرکز، همکاری و مشارکت در تصمیم‌گیری متفکرانه تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال، حسابرسانی که پرخاشگری و بیش‌فعالی را تجربه می‌کنند ممکن است رفتار تکانشی از خود نشان دهند که مانع از تجزیه و تحلیل کامل داده‌های مالی می‌شود. به‌طور مشابه، افرادی که تمایلات ضداجتماعی دارند ممکن است فاقد مهارت‌های بین‌فردی لازم برای تعامل مؤثر با مشتریان و همکاران باشند که منجر به اختلالات ارتباطی و سوءتفاهم می‌شود (ژائو و شوم، ۲۰۱۹)^۴.

در محیط‌های پر استرس و حرفه‌ای، مانند حسابرسی، اضطراب و افسردگی به‌طور شایعی در میان متخصصان دیده می‌شود. این اختلالات روانی نه تنها می‌توانند بر سلامت روان فردی تأثیرگذار باشند، بلکه در بسیاری از موارد باعث کاهش کیفیت عملکرد حرفه‌ای در چنین محیط‌هایی می‌شوند. حسابرسان به‌عنوان افرادی که مسئول ارزیابی و تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی هستند، نیاز به دقت بالا و توانمندی در پردازش اطلاعات پیچیده دارند. اضطراب و افسردگی می‌توانند باعث کاهش انگیزه و کاهش ظرفیت تفکر انتقادی شوند، که در نتیجه منجر به عملکرد ضعیف‌تر در تصمیم‌گیری‌های مهم می‌شود. به‌ویژه زمانی که حسابرسان تحت فشارهای کاری قرار دارند، اضطراب و افسردگی ممکن است باعث کاهش تمرکز و انگیزه آن‌ها برای انجام وظایف خود گردد و این مسئله به‌طور غیرمستقیم بر دقت و صحت گزارش‌های حسابرسی تأثیر می‌گذارد (ایزنبرگر و همکاران، ۲۰۱۶)^۵. از سوی دیگر، بسیاری از افراد در محیط‌های کاری دچار اختلالات اجتماعی می‌شوند که می‌تواند به مشکلات جدی در تعاملات تیمی منجر شود. کسانی که با مشکلات ناسازگاری اجتماعی روبه‌رو هستند، ممکن است در انجام کارهای گروهی دچار چالش‌های مهمی شوند. در تیم‌های حسابرسی، جایی که همکاری و هماهنگی بین اعضای گروه حیاتی است، وجود مشکلات اجتماعی می‌تواند تأثیر منفی بر عملکرد کلی گروه بگذارد و در نهایت به خطر افتادن

^۱ Deng et al

^۲ Kamalgharibi et al

^۳ Haghighi et al

^۴ Zhao & Shum

^۵ Eisenberger et al

کیفیت نتایج حسابرسی منجر شود. مطالعات نشان می‌دهند که ناسازگاری اجتماعی در تیم‌های حرفه‌ای ممکن است باعث تضعیف توانایی افراد در همکاری و کاهش کیفیت تعاملات شود که در نهایت بر کیفیت کار گروهی تأثیر منفی خواهد داشت (مایر و همکاران، ۲۰۱۴)^۱.

علاوه بر اختلالات رفتاری، اختلالات عاطفی فصلی یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر قضاوت حسابرسان بگذارد. این اختلال معمولاً در فصول خاص سال بروز می‌کند، به‌ویژه در پاییز و زمستان، زمانی که ساعات نور خورشید کاهش می‌یابد. افراد مبتلا به اختلال عاطفی فصلی با علائمی مانند انرژی کم، خستگی، افسردگی و مشکل در تمرکز مواجه هستند. این اختلالات می‌توانند تأثیرات منفی بیشتری بر عملکرد حسابرسان بگذارند، به‌ویژه در زمان‌هایی که فشار کاری در حرفه حسابرسی افزایش می‌یابد. در طول فصول شلوغ حسابرسی، زمانی که تقاضاها برای حسابرسان بسیار زیاد است، افراد مبتلا به اختلال عاطفی فصلی ممکن است با مشکل مواجه شوند و این مسأله می‌تواند منجر به کاهش عملکرد آن‌ها و نقص قابل توجهی در قضاوت و صداقت حرفه‌ای شود (لام^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). علاوه بر این، این علائم می‌توانند مشکلات رفتاری موجود را تشدید کنند و به ایجاد یک اثر ترکیبی منجر شوند که توانایی حسابرسان را برای ارائه کار با کیفیت بالا کاهش دهد.

علیرغم اهمیت بهزیستی روان‌شناختی در محیط‌های حرفه‌ای، شکاف قابل توجهی در درک اینکه اختلالات روانی به ویژه اختلالات عاطفی و رفتاری چگونه بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان تأثیر می‌گذارند، وجود دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که مسائل مربوط به سلامت روان در حرفه‌های پر استرس و فشار مانند حسابرسی شایع است (گاریس و همکاران، ۲۰۲۰^۳؛ سلامی، ۲۰۱۱^۴، آیزنبرگر و همکاران، ۲۰۱۶^۵، مایر و همکاران، ۲۰۱۴). اما تاکنون تأثیرات خاص این اختلالات بر قضاوت و عملکرد حسابرسان به‌طور جامع و کامل بررسی نشده است. اختلالات رفتاری مانند اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، اختلال کمبود توجه و ناسازگاری اجتماعی می‌توانند به‌طور قابل توجهی قضاوت‌های حسابرسان را تحت تأثیر قرار دهند. این اختلالات باعث ایجاد خطاهای عمده در ارزیابی‌های مالی، نقض مقررات حسابرسی و از دست دادن اعتماد ذینفعان می‌شود (رحیمی فرد و همکاران، ۱۴۰۴). بر همین اساس، نیاز به مطالعات بیشتر در این زمینه احساس می‌شود تا اثرات دقیق این اختلالات بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان روشن گردد. افزون بر این، تغییرات فصلی در سلامت روان، به‌ویژه در رابطه با اختلال عاطفی فصلی، می‌تواند توانایی حسابرسان برای حفظ عملکرد ثابت در طول سال را پیچیده‌تر کند. در واقع، در ماه‌های پاییز و زمستان که نور خورشید کمتر است، افراد مبتلا به اختلال عاطفی فصلی ممکن است دچار کاهش انرژی، خواب‌آلودگی، خستگی و اختلالات خواب شوند، که این عوامل می‌تواند تأثیر منفی بر کیفیت عملکرد آنان

^۱ Meyer et al

^۲ Lam et al

^۳ Gareis et al

^۴ Lam et al

^۵ Eisenberger et al

در طول فرآیند حسابرسی داشته باشد. این مسأله به‌ویژه در دوران‌های اوج کاری حسابرسی، زمانی که فشار کاری بالا است و نیاز به دقت و تمرکز در بالاترین حد خود قرار دارد، می‌تواند بحرانی‌تر شود (کاللکار و همکاران،^۱ ۲۰۲۳). به این ترتیب، حسابرسی که در این دوران‌ها از اختلالات روانی یا عاطفی رنج می‌برند، ممکن است نتوانند عملکرد مطلوب خود را حفظ کنند و این مسأله می‌تواند منجر به خطاهای جدی در ارزیابی‌های مالی و حتی به‌طور بالقوه به نقض مقررات حسابرسی و کاهش اعتبار گزارش‌های حسابرسی شود (گاریس و همکاران، ۲۰۲۰، سلامی،^۲ ۲۰۱۱). تأثیر پرخاشگری، بیش‌فعالی، رفتارهای ضداجتماعی، اضطراب، افسردگی، ناسازگاری اجتماعی و اختلال کمبود توجه می‌تواند منجر به خطاهای اساسی در قضاوت شود که ممکن است منجر به تحریفات مالی، نقض مقررات و از دست دادن اعتماد ذینفعان شود (آیزنبرگر و همکاران، ۲۰۱۶؛ مایر و همکاران، ۲۰۱۴). علاوه بر این، تغییرات فصلی در سلامت روان، به‌ویژه در رابطه با اختلال عاطفی فصلی، توانایی حسابرسان را برای حفظ عملکرد ثابت در طول سال پیچیده‌تر می‌کند (کاللکار و همکاران، ۲۰۲۳).

با توجه به نقش حیاتی حسابرسان در شکل‌دهی به چشم‌انداز مالی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، درک تأثیر اختلالات رفتاری و عاطفی فصلی بر قضاوت حرفه‌ای آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اختلالات می‌توانند بر خلق و خو، عملکرد شناختی و فرآیندهای تصمیم‌گیری حسابرسان تأثیرگذار باشند، به‌ویژه در شرایطی که دقت و عینیت در اولویت قرار دارد. درک این تأثیرات می‌تواند به موسسات حسابرسی کمک کند تا نیاز به پشتیبانی از سلامت روان کارکنان خود را شناسایی کرده و منابع و برنامه‌های آموزشی مناسب را ارائه دهند. همچنین، شناسایی علائم و پیامدهای این اختلالات می‌تواند توسعه راهبردهای مداخله‌ای را تسهیل کرده و بهبود کیفیت کلی فرآیند حسابرسی را تضمین کند (گراوند و حیدر پور، ۱۴۰۴). از سوی دیگر، اختلالات عاطفی فصلی منجر به خستگی، کاهش انرژی و مشکلاتی در تمرکز شوند که عملکرد حسابرس را در دوره‌های حساس حسابرسی تحت تأثیر قرار می‌دهند. نوسانات فصلی همچنین می‌تواند اختلالات رفتاری موجود را پیچیده‌تر کرده و یک چرخه معیوب ایجاد کند که توانمندی‌های حرفه‌ای حسابرسان را کاهش دهد. این موضوع در محیط حرفه‌ای حسابرسی ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی کشور، فشارهای شغلی و پیچیدگی‌های محیط حسابرسی ممکن است اثرات منفی این اختلالات را تشدید کند. اختلالات رفتاری مانند اضطراب و افسردگی می‌توانند توانایی حسابرسان در تصمیم‌گیری‌های دقیق و تحلیل اطلاعات مالی را تحت تأثیر قرار دهند. همچنین، اختلالات عاطفی فصلی می‌تواند منجر به کاهش انرژی و تمرکز حسابرسان شود و بر کیفیت گزارش‌های حسابرسی تأثیر بگذارد. در نتیجه، شناسایی و مدیریت این چالش‌ها برای ارتقاء عملکرد حرفه‌ای و حفظ صحت و دقت در فرآیندهای حسابرسی در ایران ضروری است. به این ترتیب، تحقیق در مورد اثرات این اختلالات می‌تواند به گفت‌وگوی گسترده‌تری در زمینه بهبود محیط کاری، مسئولیت‌پذیری و استانداردهای اخلاقی در شیوه‌های

¹ Kalelkar et al

² Salami et al

حسابرسی کمک کند و نهادهای نظارتی را به لزوم توجه به مسائل سلامت روان در تدوین استانداردهای حرفه‌ای آگاه سازد (خلیلی و همکاران، ۱۴۰۴).

برای دست یابی به اهداف فوق، ساختار این پژوهش به‌طور کلی شامل پنج بخش اصلی است. ابتدا، مقدمه‌ای از اهمیت تأثیر اختلالات رفتاری و عاطفی فصلی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان ارائه شده است. در بخش دوم، مبانی نظری و پیشینه تحقیق در این حوزه بررسی می‌شود. سپس، روش‌شناسی تحقیق شامل نوع داده‌ها، ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات و روش‌های تحلیل داده‌ها شرح داده شده است. در نهایت، یافته‌های تحقیق، بحث و نتیجه‌گیری در مورد تأثیر این اختلالات بر عملکرد حسابرسان و پیشنهادات برای بهبود شرایط حرفه حسابرسی ارائه خواهد شد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اختلالات رفتاری شرایط روانی هستند که می‌توانند عملکرد شناختی و عاطفی را مختل کنند. در زمینه حسابرسی، این اختلالات می‌توانند منجر به اختلال در تمرکز، افزایش استرس و تصمیم‌گیری ضعیف شوند که همگی می‌توانند کیفیت حسابرسی را کاهش دهند. به‌عنوان مثال، اضطراب ممکن است باعث شود حسابرس بر خطرات بیش از حد تأکید کند، که منجر به قضاوت‌های بیش از حد محافظه‌کارانه یا اجتناب از وظایف پیچیده حسابرسی شود. در مقابل، اختلالات کمبود توجه ممکن است منجر به نادیده گرفتن جزئیات مهم یا ناقص ماندن وظایف شود و احتمال ناشناخته ماندن تحریفات با اهمیت را افزایش دهد (بیشاپ و همکاران، ۲۰۰۴^۱؛ لوین و پزارو، ۲۰۰۴^۲). اختلالات رفتاری می‌توانند به‌طور قابل‌توجهی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان تأثیر بگذارند و منجر به اختلال در تصمیم‌گیری و افزایش خطا در قضاوت شوند. شرایطی مانند پرخاشگری و بیش‌فعالی، اضطراب، افسردگی و ناسازگاری اجتماعی می‌توانند توانایی حسابرس را برای تمرکز، تجزیه و تحلیل انتقادی اطلاعات و تعامل مؤثر با مشتریان و اعضای تیم مختل کنند. به‌عنوان مثال، حسابرسانی که پرخاشگری را تجربه می‌کنند ممکن است رفتار تکانشی از خود نشان دهند که تجزیه و تحلیل کامل را مختل می‌کند و در نتیجه تصمیمات شتاب‌زده و نظارت بر جزئیات مهم مالی را به همراه دارد (ژائو و شوم، ۲۰۱۹). علاوه بر این، کسانی که از اضطراب و افسردگی رنج می‌برند اغلب با تمرکز و انگیزه دست‌وپنجه نرم می‌کنند که عملکردهای شناختی آن‌ها را کاهش می‌دهد و به‌طور بالقوه منجر به افت قابل‌توجهی در کیفیت حسابرسی می‌شود (ایزنبرگر و همکاران، ۲۰۱۶). ناسازگاری اجتماعی مسائل را پیچیده‌تر می‌کند، زیرا حسابرسانی که در تعامل با دیگران مشکل دارند، ممکن است اطلاعات حیاتی و همکاری لازم برای حسابرسی جامع را از دست بدهند. این عدم ارتباط مؤثر می‌تواند منجر به سوءتفاهم و عدم ارزیابی دقیق ریسک‌ها شود. در نتیجه، اختلالات رفتاری موانعی را برای قضاوت حرفه‌ای به‌هینه در حسابرسی ایجاد

¹ Bishop et al

² Levine & Pizarro

می کنند و نیاز به افزایش آگاهی و حمایت از سلامت روان در این حرفه را برجسته می سازد. بدین منظور، در ادامه ادبیات مؤلفه های اختلالات رفتاری بر قضاوت حرفه ای حسابرس بیان شده است.

اختلال پرخاشگری و بیش فعالی و قضاوت حرفه ای حسابرس

اختلالات پرخاشگری و بیش فعالی می توانند عمیقاً بر قضاوت حرفه ای حسابرس تأثیر بگذارند و منجر به چالش های قابل توجهی در توانایی آن ها برای انجام کارها به طور مؤثر شوند. افراد مبتلا به این اختلالات ممکن است با کنترل تکانه دست و پنجه نرم کنند که می تواند منجر به تصمیم گیری عجولانه بدون ارزیابی کامل اطلاعات مرتبط شود. در یک زمینه حسابرسی که در آن دقت و صحت بسیار مهم است، تکانشگری می تواند منجر به خطاهایی شود که یکپارچگی ارزیابی های مالی را به خطر می اندازد (برودی و همکاران، ۲۰۲۲). حسابرسی که تمایلات بیش فعالی را نشان می دهند، ممکن است تمرکز بر تجزیه و تحلیل دقیق برای دوره های طولانی دشوار باشد و باعث می شود که آن ها اختلافات اساسی در صورت های مالی یا مسائل مربوط به انطباق را نادیده بگیرند (ژائو و شوم، ۲۰۱۹). علاوه بر این، رفتار پرخاشگرانه می تواند تلاش های مشترک در تیم های حسابرسی را مختل کند. حسابرسی که خصومت نشان می دهند، ممکن است همکاران و مشتریان را از خود دور کرده و ارتباطات و همکاری مؤثر را که برای جمع آوری اطلاعات دقیق و نتیجه گیری کامل ضروری هستند، تضعیف کنند. این فقدان کار تیمی می تواند منجر به سوء تفاهم، کاهش اشتراک اطلاعات و ناتوانی در ایجاد دیدی جامع از وضعیت حسابرسی شود و در نهایت کیفیت فرآیند حسابرسی را مختل کند. علاوه بر این، پرخاشگری می تواند سطوح استرس را در تیم افزایش دهد و بر روحیه و بهره وری تأثیر بگذارد. همکاران ممکن است تمایلی به شرکت در بحث های آزاد یا به اشتراک گذاری دیدگاه های خود نداشته باشند که می تواند منجر به کاهش توانایی ارزیابی انتقادی یافته ها شود (سلامی، ۲۰۱۱). علاوه بر این، عوارض عاطفی مدیریت انگیزه های پرخاشگرانه می تواند منجر به فرسودگی شغلی و کاهش رضایت شغلی شود و ظرفیت حسابرسان برای اعمال قضاوت صحیح را پیچیده تر کند. در اصل، اثرات ترکیبی پرخاشگری و بیش فعالی محیطی چالش برانگیز ایجاد می کند که شایستگی های اساسی مورد نیاز برای حسابرسی مؤثر را به خطر می اندازد و بر نیاز به حمایت از سلامت روان و استراتژی های مداخله در این حرفه تأکید می کند (برودی و همکاران، ۲۰۲۲).

اختلال رفتارهای ضد اجتماعی و قضاوت حرفه ای حسابرس

اختلالات رفتار ضد اجتماعی می تواند به طور قابل توجهی مانع قضاوت حرفه ای حسابرسان شود و بر اثربخشی آن ها در جنبه های مختلف فرآیند حسابرسی تأثیر بگذارد. حسابرسان با گرایش های ضد اجتماعی اغلب با مهارت های کلیدی بین فردی ضروری برای همکاری و ارتباط در تیم های حسابرسی دست و پنجه نرم می کنند.

¹ Brody et al

حسابرسی مؤثر مستلزم جمع‌آوری اطلاعات از منابع متعدد از جمله مشتریان و همکاران است و حسابرسی که رفتارهای ضداجتماعی از خود نشان می‌دهند ممکن است ایجاد و حفظ روابط حرفه‌ای لازم را چالش‌برانگیز بدانند (آدیکرام و همکاران، ۲۰۲۴). این مشکل در ایجاد رابطه می‌تواند منجر به جمع‌آوری اطلاعات ناقص شود، زیرا مشتریان ممکن است با حسابرسی که عدم همدلی یا توجهی به دیگران نشان می‌دهند کمتر صمیمی یا همکاری کنند (ژائو و شوم، ۲۰۱۹). علاوه بر این، تمایل به نادیده گرفتن هنجارهای اجتماعی می‌تواند منجر به دوراهی‌های اخلاقی شود. از حسابرسان انتظار می‌رود که از استانداردهای اخلاقی بالا و صداقت در کار خود حمایت کنند. با این حال، افرادی که رفتارهای ضداجتماعی دارند ممکن است تمایل بیشتری به کوتاه کردن گوشه‌ها یا نادیده گرفتن مسائل مهم مربوط به انطباق داشته باشند که به طور بالقوه منجر به اختلافات مالی یا کلاهبرداری قابل توجهی می‌شود. نادیده گرفتن پروتکل‌های تعیین‌شده نیز ممکن است منجر به تصمیم‌گیری ضعیف شود، زیرا ممکن است منافع شخصی را بر مسئولیت‌های حرفه‌ای خود ترجیح دهند (گاریس و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین، رفتار ضد اجتماعی می‌تواند به ایجاد یک محیط کاری سمی کمک کند و اثربخشی کلی تیم حسابرسی را بیشتر کاهش دهد. همکاران ممکن است احساس ناراحتی یا تهدید کنند که منجر به کاهش همکاری و ارتباط آزاد می‌شود. این خصومت می‌تواند بازخورد سازنده را خفه کند و مانع بحث‌های انتقادی درباره یافته‌های حسابرسی شود که برای تجزیه و تحلیل کامل و قضاوت صحیح ضروری هستند. در نتیجه، کیفیت کلی حسابرسی ممکن است آسیب ببیند و منجر به افزایش خطرات تحریف مالی و عدم انطباق مقرراتی شود. همچنین، اثرات تجمعی استرس و تنش در تیم می‌تواند بر سلامت روانی و رفاه حسابرسان تأثیر منفی بگذارد و چالش‌هایی را که آن‌ها در قضاوت درست با آن‌ها مواجه هستند، ترکیب کند. بنابراین، پرداختن به رفتار ضد اجتماعی در حرفه حسابرسی نه تنها برای پرورش فرهنگ محیط کار مثبت، بلکه برای اطمینان از قابلیت اطمینان و یکپارچگی گزارشگری مالی ضروری است (ژائو و شوم، ۲۰۱۹؛ گاریس و همکاران، ۲۰۲۰).

اضطراب و افسردگی و قضاوت حرفه ای حسابرس

اضطراب و افسردگی دو اختلال مهم سلامت روان هستند که می‌توانند بر قضاوت حرفه‌ای حسابرس تأثیر بگذارند و بر توانایی آن‌ها برای عملکرد مؤثر در محیط‌های پرخطر تأثیر بگذارند. حسابرسان اغلب به دلیل ضرب‌الاجل‌های فشرده، مقررات پیچیده مالی و نیاز به توجه دقیق به جزئیات، با فشار قابل توجهی مواجه می‌شوند. افرادی که از اضطراب رنج می‌برند ممکن است نگرانی و ترس شدیدی را در مورد عملکرد خود تجربه کنند که می‌تواند منجر به مشکلات در تمرکز و تصمیم‌گیری شود. این عدم تمرکز ممکن است منجر به نادیده گرفتن اطلاعات مهم توسط حسابرس یا قضاوت اشتباه بر اساس داده‌های ناقص شود (فیشر و همکاران، ۲۰۲۰^۱). علاوه بر این، اضطراب می‌تواند منجر به عدم تصمیم‌گیری شود و باعث شود حسابرسان ارزیابی‌های خود را دوباره حدس بزنند و فرآیند حسابرسی

^۱ Fisher

را طولانی تر کنند که می تواند بر بهره وری و رضایت مشتری تأثیر منفی بگذارد. از سوی دیگر، افسردگی می تواند منجر به کاهش سطح انگیزه و انرژی شود و به شدت بر اخلاق کاری حسابرس تأثیر بگذارد. حسابرسانی که علائم افسردگی را تجربه می کنند ممکن است درگیر شدن کامل با وظایف خود را چالش برانگیز بدانند که منجر به کیفیت پایین کار و عدم دقت در تحلیل های مالی می شود. علاوه بر این، آسیب های شناختی مرتبط با افسردگی، مانند مشکلات حافظه و پردازش اطلاعات، می تواند باعث تشدید اشتباهات در قضاوت شده و مانع توانایی حسابرس برای ارزیابی دقیق ریسک ها شود (کوهن و جانیکی، ۲۰۲۲).^۱ علاوه بر این، تعامل بین اضطراب و افسردگی می تواند یک چرخه معیوب ایجاد کند که در آن وجود یک اختلال علائم دیگری را تشدید می کند و قضاوت را بیشتر مختل می کند. این ترکیب همچنین می تواند مانع از روابط بین فردی در تیم های حسابرسی شود، زیرا افرادی که تحت تأثیر قرار می گیرند ممکن است از نظر اجتماعی کناره گیری کنند یا در برقراری ارتباط مؤثر با همکاران و مشتریان مشکل داشته باشند. چنین خروجی می تواند منجر به از دست رفتن فرصت های همکاری و اشتراک دانش شود که برای حسابرسی های جامع ضروری است. در نهایت، تأثیر اضطراب و افسردگی بر حسابرسان بر نیاز سازمان ها برای اولویت بندی حمایت از سلامت روان و ایجاد محیط کاری که بهزیستی روان شناختی را تقویت می کند، تأکید می کند. پرداختن به این چالش های سلامت روان نه تنها برای عملکرد حسابرس فردی، بلکه برای یکپارچگی و قابلیت اطمینان کلی حرفه حسابرسی بسیار مهم است.

اختلال ناسازگاری اجتماعی و قضاوت حرفه ای حسابرس

اختلال ناسازگاری اجتماعی می تواند به طور قابل توجهی بر قضاوت حرفه ای حسابرس تأثیر بگذارد، زیرا توانایی آنها برای تعامل مؤثر در تیم ها و تعامل با مشتریان را مختل می کند. حسابرسان اغلب در محیط های مشارکتی کار می کنند که در آن ارتباطات شفاف، اعتماد و کار تیمی برای حسابرسی موفق ضروری است. با این حال، افراد مبتلا به ناسازگاری اجتماعی ممکن است با این پویایی های بین فردی دست و پنجه نرم کنند که منجر به مشکلاتی در برقراری روابط حرفه ای می شود. این قطع ارتباط می تواند جریان اطلاعات حیاتی مورد نیاز برای حسابرسی کامل را مختل کند، زیرا، مشتریان ممکن است تمایلی به تعامل با حسابرسانی که نشانه هایی از ناراحتی یا اضطراب از خود نشان می دهند، نداشته باشند (ژائو و شوم، ۲۰۱۹).

علاوه بر این، حسابرسان دارای ناسازگاری اجتماعی ممکن است پیمایش پیچیدگی های تعاملات محل کار را چالش برانگیز بدانند که منجر به سوء تفاهم و تعارض می شود. این ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر می تواند مانع اشتراک بینش ها و دیدگاه های حیاتی بین اعضای تیم شود و در نهایت بر کیفیت فرآیند حسابرسی تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، زمانی که حسابرسان قادر به درخواست بازخورد یا شفاف سازی جزئیات مهم با مشتریان و همکاران

^۱ Cohen & Janicki

نیستند، ممکن است جنبه های اساسی داده های مالی در حال تجزیه و تحلیل را نادیده بگیرند و خطر خطا در قضاوت را افزایش دهند (گاریس و همکاران، ۲۰۲۰).

علاوه بر این، ناسازگاری اجتماعی می تواند منجر به احساس انزوا و استرس در محیط کار شود و عملکرد کلی حسابرس را بیشتر کاهش دهد. زمانی که حسابرسان احساس می کنند ارتباط با همتایان خود قطع شده است، انگیزه و رضایت شغلی آنها ممکن است کاهش یابد و منجر به فرسودگی شغلی و کاهش کیفیت کار آنها شود. این فشار عاطفی همچنین می تواند عملکردهای شناختی را مختل کند و تمرکز و ارزیابی دقیق اطلاعات مالی پیچیده را دشوارتر می کند. همچنین، ناسازگاری اجتماعی می تواند منجر به دوراهی های اخلاقی شود، زیرا حسابرسان ممکن است احساس کنند تحت فشار قرار می گیرند تا با هنجارها یا انتظارات تیم مطابقت کنند، در حالی که تلاش می کنند تا این موارد را با ارزش های شخصی خود هماهنگ کنند. این تضاد می تواند آشفتگی داخلی ایجاد کند که بر قضاوت و فرآیندهای تصمیم گیری آنها تأثیر می گذارد. بنابراین، پرداختن به ناسازگاری اجتماعی در حسابرسان برای ایجاد یک محیط کاری حمایتی، تقویت کار گروهی و در نهایت اطمینان از قابلیت اطمینان و اثربخشی فرآیند حسابرسی بسیار مهم است.

اختلال کمبود توجه و قضاوت حرفه ای حسابرس

اختلال کمبود توجه می تواند به طور قابل توجهی بر قضاوت حرفه ای حسابرس تأثیر بگذارد، در درجه اول با آسیب رساندن به توانایی آنها در تمرکز و حفظ توجه بر روی وظایف پیچیده. حسابرسی یک حرفه جزئیات محور است که برای تجزیه و تحلیل مقادیر زیادی از داده های مالی و شناسایی مغایرت ها نیاز به تمرکز پایدار دارد. افراد مبتلا به اختلال کمبود توجه اغلب با عوامل حواس پرتی دست و پنجه نرم می کنند و ممکن است اولویت بندی کارها را به طور موثر چالش برانگیز بدانند که منجر به نظارت های بالقوه در زمینه های مهم حسابرسی می شود (بارکلی، ۲۰۱۵).^۱ این عدم تمرکز می تواند منجر به ارزیابی های ناقص یا عدم شناسایی بی نظمی های مالی مهم شود که می تواند کیفیت و دقت حسابرسی را به خطر بیندازد.

علاوه بر این، حسابرسان مبتلا به اختلال کمبود توجه ممکن است در سازماندهی کار خود و مدیریت موثر زمان با مشکلاتی مواجه شوند. با توجه به محیط پرفشار حسابرسی، که در آن ضرب الاجل ها بسیار مهم هستند، این بی سازمانی می تواند منجر به از دست رفتن مهلت ها و افزایش استرس شود. زمانی که حسابرسان نتوانند کار خود را به نحو احسن انجام دهند، می توانند احساس اضطراب را تشدید کند و چرخه ای ایجاد کند که قضاوت و توانایی های تصمیم گیری آنها را بیشتر مختل کند (اسپارکس و همکاران، ۲۰۱۹).^۲ همچنین، علائم اختلال کمبود توجه، مانند تکانشگری، می تواند منجر به تصمیم گیری عجولانه شود. یک حسابرس ممکن است بدون انجام

¹ Barkley

² Sparks et al

تجزیه و تحلیل کامل در ارزیابی های مهم عجله کند، که به ویژه در زمینه ای که دقت در آن ضروری است نگران کننده است. این رفتار تکانشی می تواند منجر به خطاهای اساسی شود که به طور بالقوه منجر به تحریفات مالی و عدم انطباق با الزامات نظارتی می شود. جنبه های بین فردی حسابرسی نیز می تواند تحت تأثیر منفی اختلال کمبود توجه قرار گیرد. حسابرسان اغلب نیاز به تعامل با مشتریان و همکاری با اعضای تیم برای جمع آوری اطلاعات و بحث در مورد یافته ها دارند. افراد مبتلا به اختلال کمبود توجه ممکن است با ارتباطات موثر دچار مشکل شوند، که منجر به سوء تفاهم و از هم گسیختگی در روابط حرفه ای می شود، که برای ممیزی های موفق حیاتی است. در نتیجه، تأثیر اختلال کمبود توجه بر قضاوت حرفه ای حسابرس بر اهمیت ایجاد محیط های کاری حمایتی که نیازهای شناختی متنوع را برآورده می کند، تأکید می کند. اجرای استراتژی هایی مانند گردش های کاری ساختاریافته، بازخورد منظم و منابع سلامت روان می تواند به حسابرسان مبتلا به اختلال کمبود توجه کمک کند تا علائم خود را مدیریت کنند و عملکرد کلی خود را در حرفه حسابرسی افزایش دهند.

اختلالات عاطفی فصلی و قضاوت حرفه ای حسابرس

اختلال عاطفی فصلی می تواند به طور قابل توجهی بر قضاوت حرفه ای حسابرس تأثیر بگذارد، به ویژه در ماه هایی که نور طبیعی خورشید محدود است. این اختلال خلقی با علائم افسردگی مشخص می شود که در زمان های خاصی از سال رخ می دهد، که اغلب با ماه های زمستانی که نور روز کمیاب است، همزمان است. افرادی که از اختلال عاطفی فصلی رنج می برند ممکن است طیف وسیعی از علائم را تجربه کنند، از جمله خستگی، بی حالی، مشکل در تمرکز و تغییر در الگوهای خواب، که همگی می توانند بر عملکرد کاری آن ها تأثیر منفی بگذارند (روزنتال و همکاران، ۱۹۸۴).^۱ در زمینه حسابرسی، جایی که دقت و دقت در اولویت است، این علائم می تواند منجر به اختلال در عملکردهای شناختی و کاهش کارایی در تجزیه و تحلیل داده های مالی شود. حسابرسانی که اختلال عاطفی فصلی را تجربه می کنند ممکن است حفظ تمرکز بر وظایف پیچیده ای که در خط کاری آن ها رایج است، چالش برانگیز بدانند. ناتوانی در تمرکز می تواند منجر به نادیده گرفتن جزئیات شود که منجر به اشتباهات قابل توجه در قضاوت یا مغایرت های نادیده گرفته شده در صورت های مالی شود. با توجه به اینکه حسابرسان ملزم به بررسی دقیق حجم وسیعی از داده ها و ارزیابی ریسک هستند، هرگونه اختلال در عملکرد شناختی ناشی از اختلال عاطفی فصلی می تواند کیفیت فرآیند حسابرسی را به خطر بیندازد (کلر و همکاران، ۲۰۱۸).^۲ علاوه بر این، خستگی مرتبط با اختلال عاطفی فصلی ممکن است منجر به کاهش انگیزه و بهره وری شود، زیرا حسابرسان در تلاش برای رعایت ضرب الاجل ها و ارائه تحلیل های کامل اطلاعات مالی هستند (کالکار و همکاران، ۲۰۲۳). علاوه بر اختلالات شناختی، اختلال عاطفی فصلی همچنین می تواند بر رفاه عاطفی حسابرس و روابط بین فردی در محیط کار تأثیر

^۱ Rosenthal et al

^۲ Keller et al

منفی بگذارد. حسابرسان مبتلا به اختلال عاطفی فصلی ممکن است از نظر اجتماعی کناره‌گیری کنند یا تحریک‌پذیری نشان دهند که می‌تواند ارتباط مؤثر با مشتریان و همکاران را مختل کند. این کناره‌گیری می‌تواند منجر به عدم همکاری و در نهایت کاهش اثربخشی کلی تیم حسابرسی شود. حسابرسی مؤثر به شدت به کار گروهی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات متکی است و هرگونه اختلال در این پویایی‌ها می‌تواند اثرات مخربی بر نتایج حسابرسی داشته باشد (پارکر و همکاران، ۲۰۱۸).^۱ همچنین، ماهیت چرخه‌ای اختلال عاطفی فصلی می‌تواند حس غیرقابل پیش‌بینی در عملکرد ایجاد کند، زیرا حسابرسان ممکن است ندانند علائم آن‌ها در طول دوره‌های اوج حسابرسی چگونه ظاهر می‌شود. این عدم اطمینان می‌تواند سطح استرس را افزایش داده و توانایی‌های قضاوت و تصمیم‌گیری را بیشتر مختل کند (کالککار و همکاران، ۲۰۲۳).

پیشینه پژوهش

کالککار و همکاران (۲۰۲۳)^۲ در پژوهشی به بررسی تأثیر اختلال عاطفی فصلی بر کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج نشان می‌دهند که اقلام تعهدی اختیاری مطلق و احتمال تجدید ارائه زمانی کمتر است، هنگامی که سطح اختلال عاطفی فصلی در طول دوره حسابرسی بالاتر باشد. بنابراین، اختلال عاطفی فصلی تمایل حسابرسان را برای پذیرش گزارشگری تهاجمی کاهش می‌دهد. همچنین، رابطه بین اختلال عاطفی فصلی و کیفیت حسابرسی بین پاییز و زمستان یا بین حسابرسان متخصص صنعت و غیرصنعت تفاوت معناداری ندارد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهند که ارتباط بین اختلال عاطفی فصلی و کیفیت حسابرسی برای حسابرسان مستقر در ایالت‌های شمالی بیشتر از ایالت‌های جنوبی است.

دنگ و همکاران (۲۰۲۳)^۳ در پژوهشی به بررسی رابطه بین کنفوسیوس‌گرایی و قضاوت حسابرسان پرداختند. نتایج نشان داد که جو کنفوسیوس در زادگاه حسابرسان با تعدیل حسابرسی آنها ارتباط مثبت دارد. تجزیه و تحلیل مکانیسم نشان می‌دهد که کنفوسیوس‌سیسم در زادگاه حسابرسان می‌تواند بر اخلاق حسابرسان تأثیر بگذارد و قضاوت آنها را بیشتر تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، رابطه مثبت بین کنفوسیوس‌گرایی در زادگاه حسابرسان و تعدیل حسابرسی با قرار گرفتن حسابرسان در معرض جوهای قوی کنفوسیوس در محل تحصیل و محل کارشان تقویت می‌شود، اما با اشاعه فرهنگ غربی ضعیف شده است. علاوه بر این، حسابرسانی که بیشتر تحت تأثیر آیین کنفوسیوس هستند، با بهبودهای بیشتر در کیفیت گزارشگری مالی مشتری، تعدیل‌های رو به بالا و پایین‌تر، تعدیل‌های کوچک و بزرگ‌تر و تلاش بیشتر حسابرسی، اما نه حق‌الزحمه حسابرسی بالاتر همراه هستند.

^۱ Parker et al

^۲ Kalelkar et al

^۳ Deng et al

برودی و همکاران (۲۰۲۲)^۱ در پژوهشی اثرات سوگیری شناختی بر قضاوت‌ها و تصمیمات بازرس تقلب را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که سوگیری‌های خاص می‌توانند عملکرد بازرس تقلب را تضعیف کنند. به طور خاص، این مطالعه از نمونه‌های دنیای واقعی از متخصصان بسیار مجرب مبارزه با تقلب استفاده کرده است تا هر سوگیری متمایز را با توجه به اهداف، روش‌ها، روابط و استانداردهای شواهد منحصر به فرد موجود در بررسی‌های تقلب تحلیل کند. سپس در مورد استراتژی‌های اجتناب و کاهش خاصی بحث می‌شود که بازرس‌های تقلب می‌توانند برای مدیریت اثرات سوگیری شناختی و بهبود قضاوت‌ها و تصمیم‌های خود از آن‌ها استفاده کنند. در نهایت، با پیشنهاد نیاز به آموزش اولیه و مستمر برای متخصصان و تحقیقات آینده در این زمینه برای افزایش درک از این موضوع، نتیجه‌گیری می‌شود.

مولیس و هتفیلد (۲۰۱۸)^۲ در پژوهشی اثرات چندوظیفه‌ای بر کیفیت قضاوت حسابرسان را بررسی کردند. آنها نشان دادند که حسابرسان پس از انجام چندوظیفه‌ای کمتر قادر به شناسایی خطاهای اولیه می‌شوند و این تأثیر در شناسایی خطاهای مفهومی، نه مکانیکی، برجسته‌تر است. پیامدهای منفی چندوظیفه‌گی زمانی کاهش می‌یابد که حسابرسان در معرض مداخله‌ای مبتنی بر یک اقدام متقابل نظری برای پر کردن منابع تخلیه‌شده خودکنترلی قرار می‌گیرند، به طوری که حسابرسان چندوظیفه‌ای با مداخله، خطاهای ریشه‌ای بیشتری نسبت به بدون مداخله شناسایی می‌کنند. با توجه به اینکه انجام چندوظیفه‌ای یک ویژگی فراگیر در محیط حسابرسی فعلی است، این یافته‌ها اهمیت دارند.

یانگ و همکاران (۲۰۱۸)^۳ در پژوهشی تأثیر هوش هیجانی بر قضاوت حسابرس را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که تأثیر تعدیل‌کننده هوش هیجانی می‌تواند به طور مؤثری تمایل حسابرسان به درگیری در رفتار ناکارآمد را کاهش دهد و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد. علاوه بر این، هوش هیجانی به عنوان یک مکانیسم مهم عمل می‌کند که اثرات انواع مختلف فشار را بر قضاوت حسابرسان تعدیل می‌نماید.

خان محمدی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به طراحی الگو برای تبیین ویژگی‌های تاریک شخصیت، حرفه‌ای گرایی و قضاوت اخلاقی حسابرسان پرداختند. نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار و منفی بین ویژگی رفتار ضد اجتماعی، ویژگی فرصت‌طلبی و رابطه مثبت و معنادار بین خودشیفتگی و قضاوت حسابرسی است. در قضاوت حرفه‌ای حسابرس ویژگی‌های شخصیتی تأثیرگذار است. در نتیجه می‌توان پیشنهاد کرد که در بحث جذب حسابرس حرفه‌ای، ویژگی‌های شخصیتی افراد نیز مدنظر قرار گیرند.

سنگانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی سیکل تناوبی بیوریتیمیک شناختی در کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابرسان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که حسابرسانی که در سیکل‌های ذهنی، عاطفی و شهودی

¹ Brody

² Mullis & Hatfield

³

در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حسابرسانی که در سیکل های ذهنی، عاطفی و شهودی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت قضاوت حرفه ای حسابرسی بالاتری دارند.

فخاری و فضل اله پور نقارچی (۱۴۰۱) در پژوهشی تاثیر ویژگی سرمایه روانشناختی بر انگیزه پیشرفت، قضاوت حسابرسان و عملکرد موسسه های حسابرسی بررسی کردند. یافته های آن ها نشان داد که افزایش سرمایه روانشناختی منجر به افزایش انگیزه پیشرفت و بهبود قضاوت حسابرسان شده و همچنین در نهایت منجر به بهبود عملکرد موسسات حسابرسی می شود.

روحي شاهعلی بگلو و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تاثیر مثبت نگرى بر قضاوت حرفه ای حسابرسان بررسی کردند. یافته ها نشان داد که عوامل فردی بر مثبت نگرى حسابرسان و مثبت نگرى حسابرسان بر عوامل حرفه ای و عوامل حرفه ای بر پیشرفت و توسعه حرفه ای حسابرسان تاثیر دارد. همچنین نتایج حاکی از این است که مثبت نگرى در جهت تقویت تردید منطقی و مکملی برای تردیدگرایی و قضاوت حرفه ای حسابرسان است.

بختیاری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به شناسایی عوامل موثر بر ویژگی های روان شناختی حسابرسان در قضاوت حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد که شرایط علی با خرده مقولات: ویژگی های فردی، عواطف و سلامت روانی حسابرسان و عوامل دموگرافیکی، شرایط زمینه ای با خرده مقولات خانواده، عوامل قانونی، عوامل محیطی، فرهنگ و محیط سیاسی، مقوله محوری با خرده مقولات: استرس ناشی از کار، استقلال و بی طرفی، شرایط مداخله گر: عوامل سازمانی و محیط اقتصادی، راهکار/تعاملی با خرده مقولات: مهارت ها، دانش حسابرس، احساسات، تعلق به حرفه و قدرت تصمیم گیری به نهادهای تصمیم گیر و ناظر و پیامد با خرده مقوله: قضاوت های حرفه ای می باشد.

نظامی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی ارتباط وجدان، توافق پذیری، احساسات-تفکر و ریسک پذیری با قضاوت حسابرس با توجه به نقش میانجی خودکارآمدی بررسی کردند. یافته های مطالعه آن ها نشان می دهد که حسابرسان با تیپ شخصیتی متفکر در مقابل احساسی قضاوت حرفه ای تری دارند. ریسک پذیری نتیجه مدار موجب کاهش و ریسک پذیری نامعین موجب بهبود کیفیت قضاوت حرفه ای حسابرسان می شود. علاوه بر این، تمام ابعاد شخصیت (به جز وجدان) با واسطه خودکارآمدی حرفه ای بر قضاوت حسابرسان تأثیر معناداری داشت.

ملانظری و اسماعیلی کیا (۱۳۹۳) در پژوهشی به شناسایی ویژگی های روان شناختی اثرگذار بر مهارت حسابرسان در انجام قضاوت های حسابرسی پرداختند. نتایج آن ها نشان داد که هر چهارده ویژگی در چهار مرحله حسابرسی اهمیت دارند، اما درجه اهمیت هر یک در مراحل مختلف متفاوت است؛ به گونه ای که مهم ترین ویژگی ها در مرحله اول مسئولیت پذیری و به گزینی، در مرحله دوم تمایز میان اطلاعات مرتبط و غیرمرتبط و سازگاری بود. ویژگی ادراکی/توجه در مرحله سوم حسابرسی حائز بیشترین اهمیت شد و در مرحله آخر حسابرسی، ویژگی خودکاری بیشترین درجه اهمیت را به خود اختصاص داد.



۳- فرضیه ها

با توجه به بخش‌های پیشین، فرضیه‌ها به شرح زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: اختلالات رفتاری بر قضاوت حرفه ای حسابرس اثر دارد.

فرضیه فرعی اول: پرخاشگری و بیش‌فعالی بر قضاوت حرفه ای حسابرس اثر دارد.

فرضیه فرعی دوم: رفتارهای ضد اجتماعی بر قضاوت حرفه ای حسابرس اثر دارد.

فرضیه فرعی سوم: اضطراب و افسردگی بر قضاوت حرفه ای حسابرس اثر دارد.

فرضیه فرعی چهارم: ناسازگاری اجتماعی بر قضاوت حرفه ای حسابرس اثر دارد.

فرضیه فرعی پنجم: اختلال کمبود توجه بر قضاوت حرفه ای حسابرس اثر دارد.

فرضیه دوم: اختلالات عاطفی فصلی بر قضاوت حرفه ای حسابرس اثر دارد.

۴- روش شناسی

در این پژوهش برای بررسی تأثیر اختلالات رفتاری و اختلالات عاطفی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرس از تحلیل مسیر به عنوان یکی از ابزارهای اصلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. این روش از نظر روش‌شناختی جامع و از لحاظ تحلیل داده‌ها بسیار انعطاف‌پذیر است. تحلیل مسیر که بر اساس تکنیک‌های رگرسیون چندگانه استوار است، به عنوان یکی از انواع مدل‌های معادلات ساختاری شناخته می‌شود. در این روش، از ضریب‌های بتای استاندارد رگرسیون چندمتغیره برای سنجش و ارزیابی روابط ساختاری میان متغیرها استفاده می‌شود. هدف اصلی تحلیل مسیر ارائه برآوردهای کمی از روابط علی میان متغیرها است. این روابط ممکن است به صورت تعاملی (یک‌طرفه) یا به شکل همبستگی‌های متقابل باشند. بنابراین، در این پژوهش با استفاده از این روش، تأثیرات چندجانبه و پیچیده اختلالات رفتاری و اختلالات عاطفی فصلی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرس به‌طور دقیق مدل‌سازی و بررسی شده است. به منظور تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از نمونه‌ها، از هر دو رویکرد آماری، یعنی روش‌های آمار توصیفی و استنباطی بهره‌گیری شده است. در بخش آمار استنباطی، به منظور آزمون فرضیه‌ها از آماره t استفاده شده و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از روش‌های عاملی تأییدی صورت گرفته است. این روش‌ها برای سنجش مدل‌های اندازه‌گیری به کار گرفته شده‌اند. در نهایت، برای بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل معادلات ساختاری استفاده شده که با کمک نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس انجام شده و تحلیل‌های دقیق‌تری بر روی روابط بین متغیرها صورت گرفته است. این روش‌ها امکان تحلیل ساختاری دقیق‌تری از روابط پیچیده میان متغیرها را فراهم می‌کنند و نتایج به‌دست‌آمده مبنای قوی‌تری برای نتیجه‌گیری‌های پژوهش ارائه می‌دهند. جامعه آماری پژوهش شامل حسابرسان شاغل در موسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران است. بدیهی است که اگر جامعه مورد نظر بزرگ و حجم و تعداد افراد آن زیاد باشد، مطالعه کل جامعه مشکل است. بنابراین،

جهت سهولت و صرفه جویی در وقت، انرژی و بودجه از روش نمونه گیری استفاده شد و نتایج آن را به جامعه تعمیم داد. مقطع زمانی در این پژوهش سال ۱۴۰۲ می باشد. انتخاب نمونه به صورت نمونه در دسترس صورت گرفت و پرسشنامه به صورت دستی و آنلاین بین حسابرسان شاغل در موسسه های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی توزیع گردید، سپس اقدام به جمع آوری پرسشنامه ها شد. با توجه به اینکه آمار رسمی از حسابرسان شاغل در موسسات حسابرسی در دست نیست، تعداد اعضای جامعه آماری نامشخص فرض می شود؛ بنابراین، با توجه به نامشخص بودن حجم جامعه و نیز در دسترس نبودن واریانس جامعه، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای جوامع نامعین محاسبه شده است. به دو دلیل در این پژوهش از این فرمول استفاده شده است. اولاً، در پژوهش از پرسشنامه ای با طیف پنج گزینه ای لیکرت (متغیر کیفی اسمی) استفاده می شود و ثانیاً حجم جامعه آماری نامشخص است.

$$n = \left(\frac{z_{\frac{\alpha}{2}} \times \sigma}{\sigma} \right)^2$$

$$\sigma = \left(\frac{\text{Max}(xi) - \text{Min}(xi)}{\sigma} \right)$$

فرمول (۱). حجم نمونه با نامشخص بودن حجم جامعه و نیز در دسترس نبودن واریانس جامعه

از آنجایی که پرسشنامه با طیف لیکرت پنج درجه ای استفاده شده است، بزرگترین مقدار پنج و کوچکترین مقدار یک خواهد بود؛ بنابراین انحراف معیار ۰/۶۶ می گردد. این مقدار بیشینه انحراف معیار است (مؤمنی، ۱۳۸۶). با سطح اطمینان ۹۰ درصد و دقت برآورد ۱۰ درصد، حجم نمونه برابر با ۱۷۶ نفر است. با در نظر گرفتن پرسشنامه هایی که امکان برگشت آن ها وجود نداشت، ۲۷۶ پرسشنامه بین اعضای جامعه توزیع شد؛ که از این تعداد فقط ۲۰۴ پرسشنامه را دریافت نمودیم. تعداد ۲۸ پرسشنامه به صورت ناقص پر شده بودند؛ بدین صورت که پرسشگر فقط تعدادی از سوالات را پاسخ داده بود و مابقی سوالات را بی پاسخ گذاشته بود. در نتیجه، این پرسشنامه ها قابل استناد نبودند و از لیست نمونه مورد بررسی حذف گردیدند. نهایتاً ۱۷۶ نفر به پرسشنامه ها پاسخ دادند. جدول (۱) نتایج را نشان می دهد.

جدول (۱). پرسشنامه های توزیع شده و دریافتی

تعداد	پرسشنامه
۲۷۶	پرسشنامه توزیع شده
۲۰۴	پرسشنامه های دریافتی
(۲۸)	پرسشنامه های ناقص
۱۷۶	پرسشنامه های باقیمانده (حجم نمونه)

منبع: یافته های پژوهشگر

سنجش متغیرها

برای اندازه‌گیری اختلالات رفتاری، از پرسشنامه استاندارد راتر (۱۹۶۷) استفاده شده است. این پرسشنامه یک ابزار معتبر و شناخته شده است که برای سنجش اختلالات رفتاری در افراد طراحی شده است و شامل پنج حیطه مختلف می‌باشد که هرکدام ویژگی‌های خاصی از اختلالات رفتاری را ارزیابی می‌کند. این حیطه‌ها عبارتند از:

(۱) پرخاشگری و بیش‌فعالی: این حیطه به شناسایی رفتارهای پرخاشگرانه و بیش‌فعال پرداخته و شامل سوالاتی است که به ارزیابی میزان خشونت، تحریک‌پذیری و رفتارهای پرتحرک افراد می‌پردازد. این حیطه دارای ۷ سوال می‌باشد.

(۲) رفتارهای ضد اجتماعی: در این بخش، به شناسایی رفتارهایی پرداخته می‌شود که نقض هنجارهای اجتماعی و اخلاقی را نشان می‌دهند. این حیطه نیز شامل ۶ سوال است که رفتارهایی چون تقلب، دروغ‌گویی، سرپیچی از قوانین و موارد مشابه را ارزیابی می‌کند.

(۳) اضطراب و افسردگی: این بخش به شناسایی نشانه‌های اضطراب و افسردگی در فرد می‌پردازد. اضطراب و افسردگی از جمله اختلالات روان‌شناختی رایج در جامعه حسابرسی هستند که می‌توانند بر عملکرد قضاوتی حسابرسان تأثیر بگذارند. این حیطه شامل ۶ سوال است که نشانگر علائم روانی و هیجانی فرد است.

(۴) ناسانگاری اجتماعی: این حیطه به ارزیابی میزان توانایی فرد در برقراری روابط اجتماعی سالم و مناسب می‌پردازد. افراد با ویژگی‌های ناسازگار اجتماعی ممکن است در موقعیت‌های اجتماعی یا حرفه‌ای دچار مشکلاتی شوند. این بخش نیز شامل ۷ سوال می‌باشد.

(۵) اختلال کمبود توجه: در این حیطه، تمرکز بر میزان اختلالات مربوط به توجه و تمرکز افراد است. این اختلالات می‌توانند بر روی تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان تأثیر بگذارند. این حیطه شامل ۵ سوال است که نشان‌دهنده میزان مشکل در توجه و تمرکز فرد می‌باشد.

در این پرسشنامه، پاسخ‌ها به صورت یک مقیاس ترتیبی سه‌سطحی در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار می‌گیرد: ندارد (امتیاز ۰)، تا حدودی (امتیاز ۱) و کاملاً (امتیاز ۲). این مقیاس برای هر سوال به‌طور خاص تنظیم شده است تا میزان شدت اختلالات رفتاری فرد را بر اساس پاسخ‌ها اندازه‌گیری کند.

برای اندازه‌گیری اختلالات عاطفی فصلی، از پرسشنامه استاندارد بک (۱۹۷۱) و کامسترا و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شده است. این پرسشنامه به‌طور خاص برای شناسایی اختلالات عاطفی فصلی طراحی شده است و دارای ۲۱ گویه می‌باشد که به‌طور دقیق و گسترده علائم اختلالات عاطفی را ارزیابی می‌کند. دامنه نمره این پرسشنامه از صفر تا ۶۳ است و از یک مقیاس چهارجمله‌ای استفاده می‌کند که دامنه آن از صفر (کاملاً مخالف) تا سه (کاملاً موافق) مرتب شده است. این مقیاس به‌طور مؤثر و دقیق احساسات و تغییرات عاطفی فصلی را در افراد شناسایی کرده و می‌تواند تأثیرات این اختلالات را بر روی قضاوت حرفه‌ای حسابرسان ارزیابی کند.



پرسشنامه اختلالات عاطفی فصلی بک و کامسترا به طور گسترده در حوزه روان شناسی برای شناسایی تغییرات خلقی فصلی و تأثیرات آن بر سلامت روانی افراد استفاده می شود. بررسی ها و تحقیقات مختلف نیز نشان دهنده روایی و پایایی مناسب این ابزار در سنجش اختلالات عاطفی در افراد است. از این رو، استفاده از این پرسشنامه برای شناسایی اختلالات عاطفی فصلی در این پژوهش، کاملاً معتبر و علمی است.

در نهایت، برای اندازه گیری قضاوت حسابرسان، از پرسشنامه قضاوت حرفه ای حسابرسان پورحیدری و همکاران (۱۳۹۱) بهره گرفته شده است. این پرسشنامه شامل ۴ سوال تخصصی مرتبط با قضاوت حرفه ای حسابرسان می باشد. این ابزار برای ارزیابی میزان دقت، صحت و تأثیرگذاری قضاوت های حسابرسان در موقعیت های حرفه ای طراحی شده است و هدف آن بررسی کیفیت قضاوت حسابرسان در برابر چالش ها و پیچیدگی های مختلف محیط حسابرسی است. این پرسشنامه به طور خاص برای ارزیابی قضاوت های حسابرسان در زمینه های مختلف حسابرسی مانند ارزیابی شواهد، استقلال در تصمیم گیری و اعمال معیارهای حرفه ای طراحی شده است.

۵- یافته ها

جمعیت شناختگان

در این بخش، آمار داده های جمعیت شناختی مربوط به مشارکت کنندگان در پژوهش ارائه شده است. ۷۵ درصد از پاسخ دهندگان مرد و ۲۵ درصد زن هستند. این نشان می دهد که تعداد مردان شرکت کننده در این پژوهش به طور قابل توجهی بیشتر از زنان است. این نسبت ممکن است بازتابی از توزیع جنسیتی در صنعت حسابرسی یا شرکت کنندگان در پژوهش باشد. این درصد پایین از حضور زنان در حسابرسی ممکن است نشان دهنده نیاز به تشویق بیشتر حضور زنان در این حرفه باشد. بیشترین تعداد پاسخ دهندگان، یعنی ۵۷ درصد، در سمت سرپرستان مشغول به کار هستند. این امر نشان می دهد که بسیاری از افراد در نقش های اجرایی و نظارتی در حسابرسی فعالیت می کنند که این سمت ها معمولاً وظایف اصلی کنترل و بررسی عملکرد حسابرسان زیرمجموعه را بر عهده دارند. مدیران ۲۵ درصد از پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند. شرکاء در دفاتر حسابرسی ۱۸ درصد از پاسخ دهندگان را شامل می شوند. از نظر تحصیلات بیشترین تعداد پاسخ دهندگان (۵۵ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند. این رقم نشان می دهد که بیشتر پاسخ دهندگان دارای سطح تحصیلات بالایی هستند که می تواند به تحلیل ها و نتایج پژوهش اعتبار بیشتری ببخشد. ۳۷ درصد از پاسخ دهندگان دارای مدرک کارشناسی هستند و ۹ درصد نیز مدرک دکتری دارند. این تنوع در سطوح تحصیلی می تواند به تحلیل های دقیق تر از دیدگاه های مختلف کمک کند. اکثر پاسخ دهندگان، یعنی ۴۷ درصد، دارای ۱۰ تا ۱۵ سال تجربه کاری هستند که نشان دهنده یک گروه حرفه ای با سابقه مناسب در زمینه حسابرسی است. ۱۹ درصد از شرکت کنندگان دارای ۵ تا ۱۰ سال و ۱۹ درصد دیگر دارای ۱۵ تا ۲۰ سال تجربه کاری هستند، که نشان دهنده تنوع سنی و تجربه در این گروه است. در نهایت، ۱۶ درصد از پاسخ دهندگان بیش از ۲۰ سال تجربه دارند. این دسته از افراد با تجربه های گسترده تر می توانند بینش های

ارزشمندی ارائه دهند. به طور خلاصه، جدول اطلاعات جمعیت شناختی نشان می دهد که اکثریت پاسخ دهندگان مرد، در سمت سرپرستی و دارای تحصیلات کارشناسی ارشد هستند. همچنین، بیشتر پاسخ دهندگان دارای تجربه کاری بین ۱۰ تا ۱۵ سال هستند.

جدول (۲). اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

عوامل	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۳۳ / ۷۵٪
	زن	۴۵ / ۲۵٪
سمت شغلی افراد	سرپرستان	۱۰۲ / ۵۷٪
	مدیران	۴۴ / ۲۵٪
	شرکاء	۳۲ / ۱۸٪
تحصیلات	کارشناسی	۶۸ / ۳۷٪
	کارشناسی ارشد	۹۸ / ۵۵٪
	دکتری	۱۴ / ۹٪
تجربه کاری	۵ تا ۱۰ سال	۳۳ / ۱۹٪
	۱۰ تا ۱۵ سال	۸۳ / ۴۷٪
	۱۵ تا ۲۰ سال	۳۴ / ۱۹٪
	بیشتر از ۲۰ سال	۲۸ / ۱۶٪

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج آمار توصیفی

در جدول (۳) نتایج آمار توصیفی برای هر یک از مقوله های ارائه شده است که سطح شدت هر یک از عوامل روان شناختی و رفتاری را در میان حسابرسان نشان می دهد. در تمامی متغیرها، فاصله میان میانگین و میانه کم است که نشان می دهد توزیع نمرات تقریباً متعادل است و توزیع نمرات چولگی زیادی ندارد. میانگین پرخاشگری و بیش فعالی نشان دهنده سطح نسبتاً متوسطی در میان حسابرسان است. این میزان پرخاشگری و بیش فعالی می تواند منجر به کاهش توانایی در کنترل واکنش های احساسی و تصمیم گیری های سریع و ناپخته شود که نهایتاً بر قضاوت حرفه ای آنها تأثیر منفی می گذارد. میانگین رفتارهای ضد اجتماعی نیز در سطح نسبتاً متوسطی قرار دارد. این نوع رفتارها می تواند بر تعاملات اجتماعی و کاری حسابرسان تأثیر منفی بگذارد و منجر به کاهش کیفیت همکاری با تیم و تعامل با مشتریان شود، که در نهایت می تواند بر قضاوت حرفه ای آنها اثر بگذارد. سطح میانگین اضطراب و افسردگی نسبتاً بالا است و این امر می تواند نشان دهنده وجود نگرانی و استرس در حسابرسان باشد.

اضطراب و افسردگی می‌تواند منجر به کاهش تمرکز، خستگی روانی و کاهش دقت در انجام وظایف حسابرسی شود که تأثیر منفی بر قضاوت حرفه‌ای آنان خواهد داشت. میانگین ناسازگاری اجتماعی نیز نسبتاً بالاست، که نشان‌دهنده مشکلات احتمالی در برقراری ارتباطات اجتماعی مؤثر است. این ناسازگاری می‌تواند توانایی حسابرسان را در کار تیمی و تعامل با دیگران کاهش دهد و در نتیجه بر قضاوت حرفه‌ای آنها تأثیر منفی بگذارد. میانگین این متغیر نشان‌دهنده سطحی از مشکلات توجه و تمرکز در میان حسابرسان است. این سطح از کمبود توجه می‌تواند توانایی حسابرسان را در دقت به جزئیات کاهش داده و قضاوت‌های حرفه‌ای آنها را تحت تأثیر قرار دهد.

میانگین اختلالات عاطفی فصلی نشان می‌دهد که اختلالات عاطفی فصلی به طور قابل توجهی در میان حسابرسان شایع است. این نوع اختلالات می‌تواند در دوره‌های خاصی از سال عملکرد حسابرسان را تحت تأثیر قرار دهد و باعث کاهش کیفیت قضاوت‌های حرفه‌ای شود. میانگین قضاوت حرفه‌ای حسابرسان در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد، اما تأثیر متغیرهای رفتاری و روان‌شناختی ممکن است منجر به کاهش دقت و کیفیت قضاوت‌های حرفه‌ای منجر شود. به‌طور کلی، میانگین‌های برخی از اختلالات رفتاری و عاطفی نشان‌دهنده این است که این مشکلات در میان حسابرسان شایع است و می‌تواند تأثیرات منفی بر قضاوت حرفه‌ای آنها داشته باشد.

جدول (۳). نتایج آمار توصیفی متغیرها

متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
پرخاشگری و بیش‌فعالی	۰/۶۸۶	۰/۶۵۷	۰/۲۶۸	۱/۴۲۹	۰
رفتارهای ضد اجتماعی	۰/۵۸۰	۰/۵۳۳	۰/۲۵۲	۱/۵	۰/۱۶۷
اضطراب و افسردگی	۰/۶۳۶	۰/۶	۰/۲۹۶	۱/۴	۰
ناسازگاری اجتماعی	۰/۶۹۱	۰/۶۸۶	۰/۲۴۱	۱/۳۳۳	۰/۱۷۷
اختلال کمبود توجه	۰/۵۱۶	۰/۵۰۰	۰/۲۶۸	۱/۲	۰
اختلالات عاطفی فصلی	۲/۰۵۲	۲/۰۴۸	۰/۲۳۸	۲/۶۱۹	۴/۵
قضاوت حرفه ای حسابرس	۲/۲۴۷	۱/۲۵۰	۱/۶۳۴	۱/۵۲۴	۲/۶۱۹

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج نرمال بودن داده ها

در جدول (۴)، نتایج نرمال بودن داده ها با استفاده از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف ارائه شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف بالای ۵٪ می باشد. در نتیجه توزیع مشاهدات نرمال است.

جدول (۴). نتایج آزمون نرمال بودن داده ها

متغیرها	آماره	سطح معناداری	نتیجه
پرخاشگری و بیش فعالی	۰/۸۴۵	۰/۱۳۹	نرمال
رفتارهای ضد اجتماعی	۰/۷۵۰	۰/۴۷۶	نرمال
اضطراب و افسردگی	۰/۴۴۳	۰/۲۰۰	نرمال
ناسازگاری اجتماعی	۰/۵۳۶	۰/۱۵۸	نرمال
اختلال کمبود	۰/۴۱۲	۰/۷۱۴	نرمال
اختلالات عاطفی فصلی	۰/۳۶۸	۰/۴۴۷	نرمال
قضاوت حرفه ای حسابرس	۰/۶۳۸	۰/۹۶۷	نرمال

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج فرضیه اول

پایایی سازگاری درونی

در جدول (۵) نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی سازگاری درونی متغیرها ارائه شده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ می باشد که نشان می دهد مدل از سازگاری درونی بالایی برخوردار است. نتایج آزمون پایایی ترکیبی نتایج نشان می دهد که مقادیر شاخص پایایی ترکیبی بیش از ۰/۸ می باشد در نتیجه مدل از پایایی ترکیبی مناسبی برخوردار است. همچنین، معیار AEV نشان دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه و شاخص های آن است

جدول ۵- نتایج سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی و روایی همگرا

متغیرها	شاخص آلفای کرونباخ	شاخص پایایی ترکیبی	روایی همگرا (AEV)
پرخاشگری و بیش فعالی	۰/۷۷۲	۰/۸۸۴	۰/۶۶۰
رفتارهای ضد اجتماعی	۰/۸۶۱	۰/۹۱۱	۰/۷۴۱
اضطراب و افسردگی	۰/۹۴۰	۰/۸۴۰	۰/۷۷۱
ناسازگاری اجتماعی	۰/۹۸۶	۰/۹۷۱	۰/۶۷۱
اختلال کمبود توجه	۰/۸۸۴	۰/۸۲۶	۰/۷۹۸
قضاوت حرفه ای حسابرس	۰/۹۶۲	۰/۹۷۳	۰/۸۹۹

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج روایی و اگرای در جدول (۶) ارائه شده است. همانطور که در ماتریس فوق مشاهده می‌شود، جذر میانگین مقادیر اشتراکی تمام سازه‌های مرتبه اول از مقدار همبستگی میان آن‌ها بیشتر است. این نشان می‌دهد که روایی و اگرای مناسب و برازش خوب مدل‌های اندازه‌گیری تحقیق وجود دارد. به طور کلی، بر اساس نتایج به دست آمده، پایایی، روایی همگرا و روایی و اگرای تحقیق تأیید شده و برازش مدل اندازه‌گیری تحقیق مناسب است.

جدول (۶). ماتریس سنجش روایی و اگرا به روش فورنل و لارکر

متغیرها	اختلال کمبود توجه	اضطراب و افسردگی	رفتارهای ضد اجتماعی	ناسازگاری اجتماعی	پرخاشگری و بیش فعالی	قضاوت حرفه ای حسابرس
اختلال کمبود توجه	۰/۴۴۵					
اضطراب و افسردگی	۰/۱۲۶	۰/۰۸۱				
رفتارهای ضد اجتماعی	۰/۲۶۱	۰/۳۸۹	۰/۳۷۶			
ناسازگاری اجتماعی	۰/۲۸۷	۰/۲۵۱	۰/۳۳۳	۰/۲۳۲		
پرخاشگری و بیش فعالی	۰/۳۲۱	۰/۲۸۴	۰/۱۵۷	۰/۳۳۶	۰/۴۰۱	
قضاوت حرفه ای حسابرس	-۰/۲۵۷	-۰/۲۸۹	-۰/۲۴۴	-۰/۱۴۳	-۰/۳۳۶	۰/۹۴۸۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مطابق با شکل (۱) نتایج پاسخ به فرضیه اول در جدول (۷) ارائه شده است. نتایج بار عاملی مربوط به سوالات مقوله‌ها بالاتر از ۰/۴ می‌باشد که نشان از روایی بالای سوالات پرسشنامه است. مقدار ضریب مسیر و آماره t اختلال کمبود توجه به ترتیب برابر با ۰/۰۴۹- و ۲/۰۸۲ است. این ضریب منفی و از نظر آماری معنادار است. یعنی با افزایش اختلال کمبود توجه، قضاوت حرفه‌ای حسابرسان کاهش می‌یابد. بنابراین، می‌توان گفت که اختلال کمبود توجه بر کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابرسان تأثیر منفی می‌گذارد و باعث می‌شود آن‌ها نتوانند به درستی تمرکز و توجه لازم را در ارزیابی‌های خود داشته باشند. بعبارتی دیگر، اختلال کمبود توجه باعث می‌شود حسابرسان نتوانند به درستی روی مسائل پیچیده و چندبعدی تمرکز کنند. از آنجایی که حرفه حسابرسی، نیازمند دقت بسیار بالاست، چنین مشکلاتی می‌تواند منجر به عدم دقت در تحلیل داده‌ها و گزارش‌های مالی شود. اما در بلندمدت و با تکرار چنین اختلالاتی، اثرات منفی بیشتری بر خروجی کار حسابرسان خواهد داشت.

مقدار ضریب مسیر و آماره t اضطراب و افسردگی برابر با ۰/۰۵۳- و ۲/۰۱۴ است که تأثیر منفی و معناداری بر قضاوت حرفه ای حسابرسان دارد. در واقع، اضطراب و افسردگی در حسابرسان باعث می‌شود که قضاوت حرفه‌ای آن‌ها دچار ضعف می‌شود. در نتیجه، می‌توان گفت اضطراب و افسردگی باعث کاهش دقت و کارایی حسابرسان در تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای و ارزیابی‌های آن‌ها می‌شود، که این امر می‌تواند به اشتباهات جدی در قضاوت‌ها منجر شود. به طوریکه اضطراب و افسردگی می‌تواند باعث کاهش توانایی حسابرسان در مدیریت

فشارهای کاری و انجام وظایف با کیفیت بالا شود. چنین شرایطی ممکن است باعث شود که حسابرسان در مواجهه با چالش‌های روزمره، دچار خستگی روانی و احساسی شوند که این خود موجب تضعیف قضاوت‌های حرفه‌ای آن‌ها می‌گردد. این یافته اهمیت سلامت روانی در محیط‌های حرفه‌ای مانند حسابرسی را برجسته می‌کند.

مقدار ضریب مسیر و آماره t رفتارهای ضد اجتماعی برابر با $-0/0113$ و $2/958$ است که نشان می‌دهد رفتارهای ضد اجتماعی تأثیر منفی و معناداری بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان دارد. این نتایج نشان می‌دهد که حسابرسانی که رفتارهای ضد اجتماعی بیشتری دارند، در قضاوت‌های حرفه‌ای خود دچار کاستی‌هایی می‌شوند. به عبارت دیگر، رفتارهای ضد اجتماعی ممکن است موجب اختلال در تمرکز و کاهش توانایی حسابرسان در رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای در فرآیند قضاوت شوند. به عبارتی دیگر، رفتارهای ضد اجتماعی نظیر بی‌اعتنایی به قوانین و هنجارهای اجتماعی ممکن است باعث کاهش تعهد حسابرسان به اصول اخلاقی و حرفه‌ای شود. در نتیجه، این افراد ممکن است در انجام وظایفشان اهمال کاری کنند یا تصمیماتی بگیرند که نه تنها کیفیت قضاوت حرفه‌ای آن‌ها را کاهش دهد، بلکه ممکن است منجر به اشتباهات جدی یا حتی نقض قوانین مالی و حسابداری شود. این یافته نشان می‌دهد که رفتارهای ضد اجتماعی تأثیر بیشتری نسبت به اختلالات روانی دیگر بر قضاوت حرفه‌ای دارد و حسابرسانی که چنین ویژگی‌هایی دارند، نیازمند مداخلات جدی‌تر و پیگیری بیشتری هستند.

مقدار ضریب مسیر و آماره t ناسازگاری اجتماعی برابر با $-0/125$ و $3/543$ است که نتایج نشان می‌دهد ناسازگاری اجتماعی تأثیر منفی و معناداری بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان دارد. بنابراین، می‌توان گفت که حسابرسانی که دچار ناسازگاری اجتماعی هستند، بیشتر در معرض ضعف در قضاوت‌های حرفه‌ای خود قرار دارند. این افراد ممکن است به دلیل ناتوانی در سازگاری با محیط کاری و تعاملات حرفه‌ای، دچار مشکلاتی در ارزیابی‌های خود شوند. از آنجایی که ناسازگاری اجتماعی ممکن است به معنای عدم توانایی حسابرسان در تعامل مثبت با دیگران و کار گروهی باشد. در حسابرسی که نیازمند همکاری با دیگر اعضای تیم، مدیران، و مشتریان است، چنین ناسازگاری‌هایی می‌تواند موجب سوء تفاهم، تضاد و کاهش کیفیت تصمیم‌گیری شود. حسابرسانی که نمی‌توانند با دیگران به خوبی همکاری کنند، احتمالاً در تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده مالی و تصمیم‌گیری در شرایط مختلف دچار مشکل خواهند شد.

مقدار ضریب مسیر و آماره t پرخاشگری و بیش‌فعالی به ترتیب برابر با $-0/081$ و $3/080$ است. این ضریب منفی و از نظر آماری معنادار است. به این معنی که این عوامل باعث تضعیف قضاوت حرفه‌ای آن‌ها می‌شوند این نتیجه نشان می‌دهد که افزایش پرخاشگری و بیش‌فعالی در حسابرسان باعث می‌شود که آن‌ها نتوانند به درستی تصمیم‌گیری کنند و به دقت در قضاوت‌های حرفه‌ای خود عمل کنند. در واقع، پرخاشگری ممکن است باعث رفتارهای تکانه‌ای و تصمیم‌گیری‌های سریع و نادرست شود که در حسابرسی می‌تواند منجر به نتایج منفی زیادی شود. حسابرسانی که با این ویژگی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند، ممکن است نتوانند آرامش لازم برای بررسی دقیق



اطلاعات مالی و مستندات را حفظ کنند. همچنین، بیش فعالی می تواند به صورت مستقیم باعث از دست دادن تمرکز و دقت در انجام وظایف حسابرسی شود که نیاز به تمرکز طولانی مدت دارد. این یافته ها تأیید می کنند که اختلالات رفتاری نقش تعیین کننده ای در کیفیت قضاوت حرفه ای حسابرسان دارند. در تمامی موارد، متغیرهای مولفه های روانشناختی اختلالات رفتاری تأثیر منفی و معناداری بر قضاوت حرفه ای دارند. این نتایج اهمیت مدیریت و کنترل مؤثر مسائل روانشناختی در محیط های کاری حسابرسی را برجسته می کند. ایجاد محیط های کاری که به سلامت روانی و تعاملات مثبت اجتماعی توجه داشته باشند، می تواند به بهبود کیفیت تصمیم گیری و کاهش خطاها کمک کند. علاوه بر این، لازم است که حسابرسان با اختلالات رفتاری شناخته شده، مانند اختلالات اضطرابی و اجتماعی، از حمایت های حرفه ای و روانی بیشتری بهره مند شوند تا بتوانند کیفیت قضاوت های حرفه ای خود را حفظ کنند. به این ترتیب فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵٪ پذیرفته می شود.

جدول (۷). نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه ها	ضریب مسیر	آماره t	سطح معناداری
اختلال کمبود توجه -> قضاوت حرفه ای حسابرسان	-۰/۰۴۹	۲/۰۸۲	۰/۰۰۰
اضطراب و افسردگی -> قضاوت حرفه ای حسابرسان	-۰/۰۵۳	۲/۰۱۴	۰/۰۰۰
رفتارهای ضد اجتماعی -> قضاوت حرفه ای حسابرسان	-۰/۱۱۳	۲/۹۵۸	۰/۰۰۰
ناسازگاری اجتماعی -> قضاوت حرفه ای حسابرسان	-۰/۱۲۵	۳/۵۴۳	۰/۰۰۰
پرخاشگری و بیش فعالی -> قضاوت حرفه ای حسابرسان	-۰/۰۸۱	۳/۰۸۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

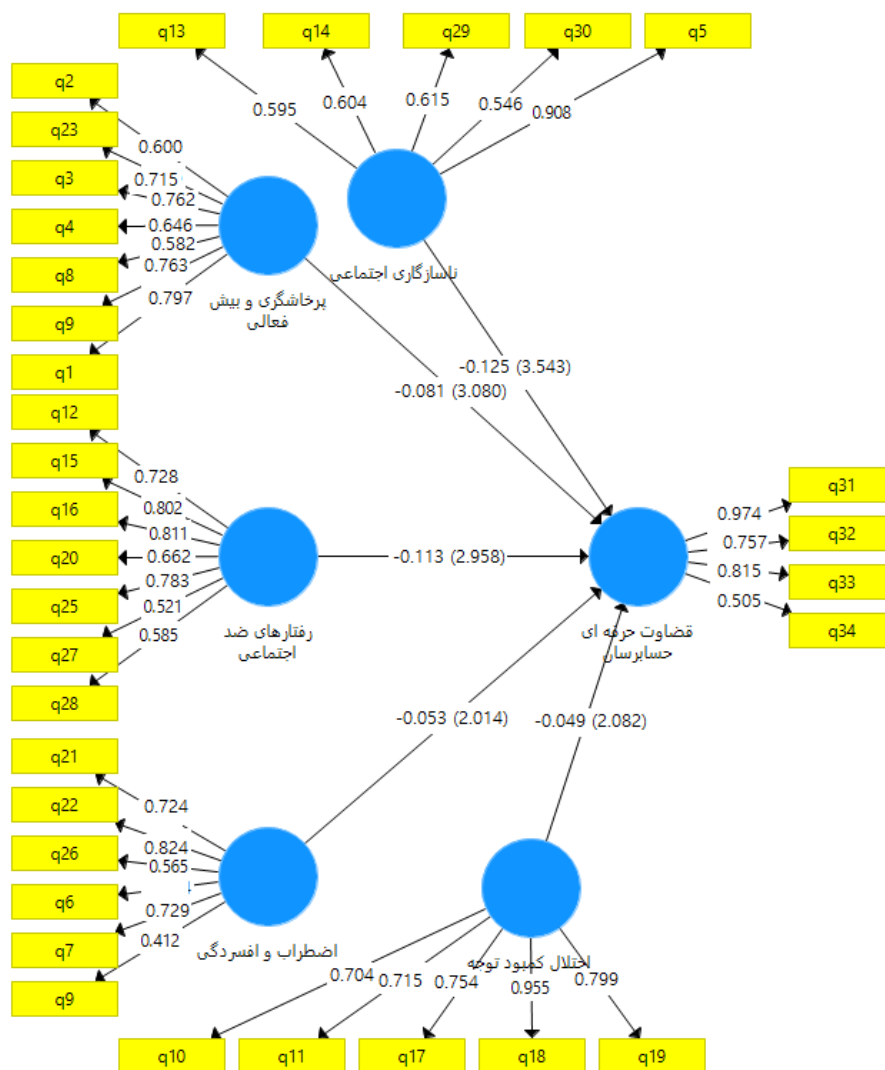
معیارهای ارزیابی برازش مدل ساختاری

برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش از ضرایب R^2 و معیار Q^2 استفاده شده است. بر اساس نتایج جدول (۸)، مناسب بودن برازش مدل ساختاری تحقیق و قدرت پیش بینی مدل تأیید می شود.

جدول (۸). شاخص R^2 و Q^2

متغیرها	R^2	Q^2
قضاوت حسابرسان	۰/۷۲۴	۰/۶۸۲

منبع: یافته های پژوهشگر



شکل (۱). نتایج آزمون معادلات ساختاری در حالت ضریب مسیر آماره t برای فرضیه اول
منبع: یافته‌های پژوهشگر

برآزش مدل کلی

مدل کلی پژوهش شامل هر دو بخش مدل اندازه گیری و ساختاری می شود و با تأیید برآزش آن می توان نتایج به دست آمده از تحلیل مدل را معتبر دانست. در رویکرد مدلسازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی شاخص GOF کاملترین شاخص برای بررسی کارایی مدل است. این معیار از طریق فرمول زیر محاسبه می گردد:

$$GOF = \sqrt{\text{Average communalities} \times \text{Average } R^2}$$

در فرمول بالا، Communalities بیانگر میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه (متغیرهای پنهان) میباشد و نیز R^2 مقدار میانگین مقادیر R Squares سازه های درونزای مدل را نشان می دهد. به پیشنهاد تننهاوس، برای بررسی برآزش مدل کلی از معیار GOF استفاده می شود که سه مقدار ۰/۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۵ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF شده اند. با توجه به مقدار بدست آمده برای GOF برآزش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می شود.

$$GOF = \sqrt{0.712 \times 0.724} = 0.718$$

نتایج فرضیه دوم

پایایی سازگاری درونی

در جدول (۹) نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی سازگاری درونی متغیرها ارائه شده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ می باشد که نشان می دهد مدل از سازگاری درونی بالایی برخوردار است. نتایج آزمون پایایی ترکیبی نشان می دهد که مقادیر شاخص پایایی ترکیبی بیش از ۰/۸ می باشد در نتیجه مدل از پایایی ترکیبی مناسبی برخوردار است. معیار AEV نشان می دهند که روایی همگرایی مناسبی برای مدل وجود دارد. روایی واگرایی قابل قبول یک مدل، به این معناست که یک سازه در مدل، با شاخص های خود بیشترین تعامل را دارد نسبت به سایر سازه ها.

جدول (۹). نتایج سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی و روایی همگرا

متغیرها	شاخص آلفای کرونباخ	شاخص پایایی ترکیبی	روایی همگرا (AEV)
اختلالات عاطفی فصلی	۰/۸۱۲	۰/۸۳۷	۰/۶۶۴
قضاوت حرفه ای حسابرسان	۰/۹۶۲	۰/۹۷۳	۰/۸۹۹

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج روایی و اگرایی در جدول (۱۰) ارائه شده است. بر اساس نتایج به دست آمده روایی و اگرایی تحقیق تأیید شده و برازش مدل اندازه گیری تحقیق مناسب است.

جدول (۱۰). ماتریس سنجش روایی و اگرایی به روش فورنل و لارکر

متغیرها	اختلالات عاطفی فصلی	قضاوت حرفه ای حسابرس
اختلالات عاطفی فصلی	۰/۲۵۳	
قضاوت حرفه ای حسابرس	-۰/۴۵۸	۰/۹۴۸

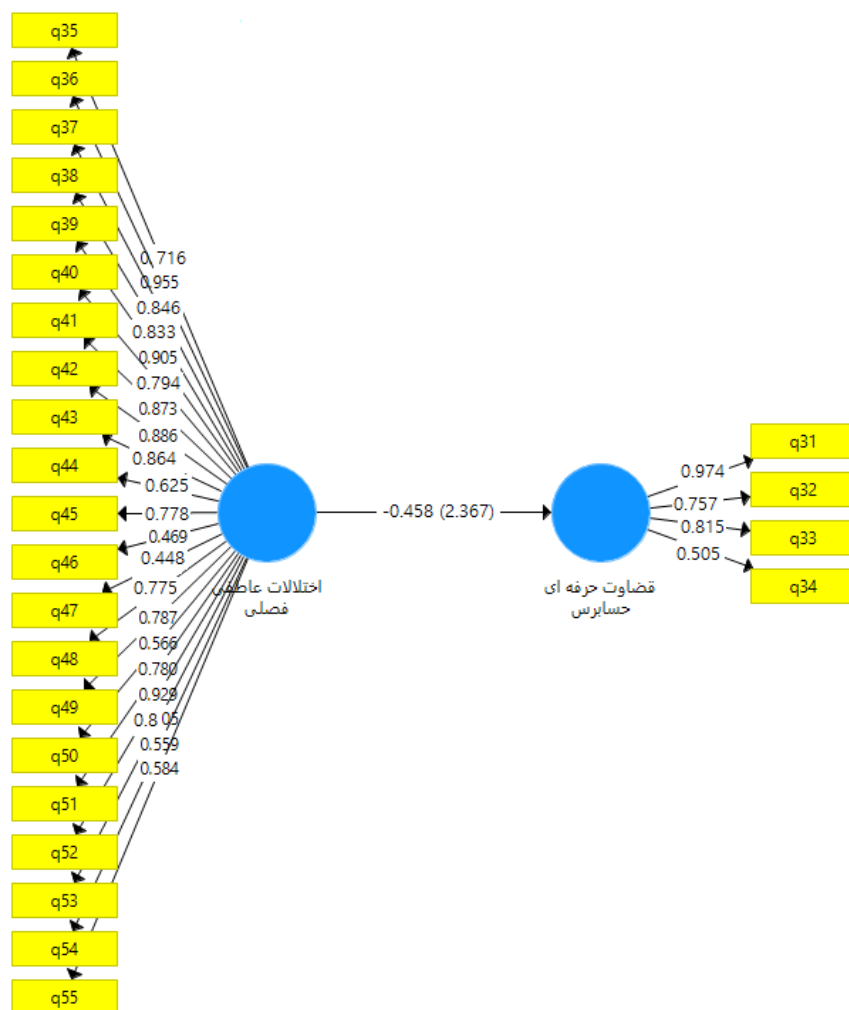
منبع: یافته های پژوهشگر

در شکل (۲) و جدول (۱۱) نتایج فرضیه دوم ارائه شده است. نتایج بار عاملی در شکل (۲) نشان می دهد که بار عاملی مربوط به سوالات مقوله ها بالاتر از ۰/۴ می باشد که نشان از روایی بالای سوالات پرسشنامه است. مقدار ضریب مسیر $-۰/۴۵۸$ و آماره t برابر با ۲/۳۶۷ نشان می دهد که اختلالات عاطفی فصلی تأثیر منفی و معناداری بر قضاوت حرفه ای حسابرسان دارد. این نتایج نشان می دهد که حسابرسانی که تحت تأثیر اختلالات عاطفی فصلی هستند، بیشتر در معرض ضعف در قضاوت های حرفه ای خود قرار می گیرند. اختلالات عاطفی فصلی که معمولاً با تغییرات فصلی و کاهش نور خورشید همراه هستند، می توانند به کاهش تمرکز، کاهش انرژی و ضعف در تحلیل های دقیق منجر شوند. در حرفه حسابرسی که نیاز به دقت و تمرکز بالا دارد، این مشکلات ممکن است باعث شوند که حسابرسان نتوانند به درستی مسائل مالی پیچیده را تحلیل و تصمیمات حرفه ای مناسب اتخاذ کنند. از آنجایی که اختلالات عاطفی فصلی می تواند باعث کاهش تعاملات مؤثر و کاهش کارایی در محیط کار شود، این اختلالات می توانند تأثیرات منفی زیادی بر همکاری با تیم، مدیران و مشتریان داشته باشند. بنابراین، حسابرسانی که درگیر این نوع اختلالات هستند، ممکن است با چالش های بیشتری در تصمیم گیری و ارزیابی مسائل مالی روبرو شوند، که این می تواند منجر به کاهش کیفیت قضاوت های حرفه ای آنان شود.

جدول (۱۱). نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه	ضریب مسیر	آماره t	سطح معناداری
اختلالات عاطفی فصلی $\rightarrow$ قضاوت حرفه ای حسابرسان	-۰/۴۵۸	۲/۳۶۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر



شکل (۲). نتایج آزمون معادلات ساختاری در حالت ضریب مسیر و آماره t برای فرضیه دوم
منبع: یافته‌های پژوهشگر

معیارهای ارزیابی برازش مدل ساختاری

برای بررسی برازش مدل ساختاری از ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای پنهان درونزای (وابسته) مدل و از Q^2 برای قدرت پیش‌بینی مدل استفاده شده است. بر اساس نتایج جدول (۱۲) مناسب بودن برازش مدل ساختاری تحقیق تأیید می‌شود. با توجه به اینکه مقدار Q^2 بیشتر از $0/4$ است، نشان می‌دهد که قدرت پیش‌بینی مدل قوی است و برازش مناسب مدل ساختاری تحقیق را تأیید می‌کند. همچنین، با توجه به مقدار بدست آمده برای GOF برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می‌شود.

جدول (۱۲). شاخص R^2

متغیرها	R^2	معیار Q^2
کیفیت حسابرسی	۰/۵۷۱	۰/۴۵۹

منبع: یافته‌های پژوهشگر

$$GOF = \sqrt{0.757 \times 0.49} = 0.589$$

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که اختلالات رفتاری و عاطفی فصلی تأثیر منفی قابل توجهی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان دارند. این یافته‌ها بر اهمیت درک اثرات این اختلالات بر عملکرد حسابرسان تأکید دارند، چرا که قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی به توانایی تحلیل دقیق اطلاعات پیچیده و تصمیم‌گیری‌های صحیح وابسته است. اضطراب به‌عنوان یکی از اختلالات رفتاری، می‌تواند حسابرسان را درگیر تفکر بیش‌ازحد و نگرانی مداوم کند. این شرایط باعث می‌شود حسابرسان در تصمیم‌گیری دچار تردید شوند و زمان بیشتری را برای انجام وظایف خود صرف کنند، که به تأخیر در تکمیل حسابرسی‌ها منجر می‌شود. از سوی دیگر، افسردگی یکی دیگر از اختلالات رفتاری می‌تواند انگیزه و انرژی لازم برای انجام تحلیل‌های عمیق و کامل را کاهش دهد. حسابرسانی که به افسردگی مبتلا هستند، ممکن است نسبت به جزئیات مهم بی‌توجه شوند و در نتیجه کیفیت قضاوت‌های حرفه‌ای آن‌ها آسیب ببینند. همچنین، اختلال کمبود توجه نیز اثرات مخربی بر قضاوت حسابرسان دارد. این اختلال می‌تواند باعث عدم توانایی در تمرکز بر مسائل پیچیده مالی و از دست دادن اطلاعات کلیدی شود. از آنجایی که حسابرسی شامل تحلیل داده‌های حجیم و پیچیده است، چنین اختلالی می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های نادرست و ارزیابی‌های ناقص منجر شود. پرخاشگری و بیش‌فعالی می‌توانند باعث شوند حسابرسان به‌صورت تکانشی عمل کنند، تصمیمات عجولانه بگیرند و تحلیل‌های ناقص انجام دهند. این رفتارها نه تنها دقت حرفه‌ای را کاهش می‌دهند بلکه احتمال نادیده گرفتن خطرات مهم را افزایش می‌دهند. ناسازگاری اجتماعی نیز یکی دیگر از اختلالات رفتاری است که اثرات منفی جدی بر قضاوت حسابرسان دارد. حسابرسان باید با تیم‌ها، مشتریان و سرپرستان خود تعامل مؤثر

داشته باشند تا بتوانند اطلاعات لازم را به دست آورند و یافته‌های خود را به‌درستی ارائه دهند. ناسازگاری اجتماعی می‌تواند ارتباطات کاری را مختل کند و منجر به سوءتفاهم‌ها یا از دست رفتن اطلاعات مهم شود. رفتارهای ضد اجتماعی نیز خطراتی جدی برای یکپارچگی حرفه‌ای حسابرسان ایجاد می‌کنند. این رفتارها، که با نادیده گرفتن هنجارها و استانداردهای اخلاقی همراه هستند، می‌توانند منجر به تصمیمات غیراخلاقی شوند. حسابرسانی که رفتارهای ضد اجتماعی دارند، ممکن است مسئولیت‌های خود را نادیده بگیرند یا حتی در فعالیت‌های متقابلانه شرکت کنند. این امر نه تنها صداقت شخصی حسابرس را زیر سؤال می‌برد بلکه نتایج حسابرسی را نیز به خطر می‌اندازد.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد که اختلالات عاطفی فصلی با نوسانات مداوم در خلق‌وخو و سطح انرژی در طول سال، مشکلات حسابرسان را تشدید می‌کند. این اختلالات اغلب با کاهش انگیزه، خستگی بیش‌ازحد، و احساس ناامیدی در فصول خاصی همراه است که مستقیماً بر توانایی حسابرسان در انجام وظایف حساس و پیچیده اثر منفی می‌گذارد. در محیط‌های پرتنش حسابرسی که نیازمند تمرکز بالا و ارزیابی دقیق اطلاعات مالی هستند، این نوسانات می‌توانند احتمال بروز اشتباهات یا ارزیابی‌های ناقص را افزایش دهند. علاوه بر این، تغییرات خلق‌وخو ناشی از اختلالات عاطفی فصلی بر روابط اجتماعی حسابرسان نیز تأثیرگذار است. افرادی که با این اختلالات دست‌وپنجه نرم می‌کنند، ممکن است تمایل کمتری به برقراری ارتباط مؤثر با همکاران یا مشتریان داشته باشند. این کاهش تعاملات اجتماعی می‌تواند جریان اطلاعات و درک دقیق مسائل را مختل کند و در نهایت به کیفیت پایین‌تر قضاوت حرفه‌ای منجر شود.

با توجه به این یافته‌ها، اهمیت شناسایی و مدیریت اختلالات رفتاری و عاطفی در حسابرسان بیش از پیش روشن می‌شود. برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای می‌توانند ابزارهای مناسبی برای کمک به حسابرسان در مقابله با این چالش‌ها باشند. با این رویکرد، عملکرد حرفه‌ای بهبود می‌یابد و دقت و صحت قضاوت‌های تخصصی آنها حفظ می‌شود.

یافته‌های این تحقیق مزایای متعددی را برای ذینفعان مختلف دارد. اولاً، یافته‌های تحقیق به حسابرسان کمک می‌کند تا تأثیر سلامت روانی خود را بر عملکرد حرفه‌ای‌شان تشخیص دهند. افزایش آگاهی می‌تواند به اقدامات پیشگیرانه برای مدیریت اختلالات رفتاری و عاطفی منجر شود. همچنین، حسابرسان با سیستم‌های حمایتی بهتر می‌توانند کمک مورد نیاز خود را برای رویارویی با چالش‌های رفتاری و عاطفی دریافت کنند و در نهایت، رضایت شغلی و رفاه ذهنی خود را بهبود بخشند. در واقع، یک محیط کاری مثبت می‌تواند رضایت شغلی را افزایش دهد، نرخ گردش مالی را کاهش دهد و حس تعلق را در بین حسابرسان ترویج کند. دوماً، مؤسسات حسابرسی می‌توانند چالش‌های پیش روی حسابرسان خود را بهتر درک کنند و اقدامات حمایتی را برای کمک به کاهش این اثرات اجرا نمایند. این مؤسسات می‌توانند در ایجاد برنامه‌های آموزشی هدفمند که بر هوش هیجانی، مدیریت استرس و استراتژی‌های مقابله با اختلالات رفتاری تمرکز دارند، گام‌های مؤثری بردارند. این سرمایه‌گذاری در توسعه کارکنان

می تواند به ایجاد نیروی کاری انعطاف پذیرتر منجر شود. در نتیجه، پرداختن به اثرات اختلالات رفتاری و عاطفی می تواند فرهنگ کاری حمایتی و فراگیرتری را تقویت کند. این امر می تواند به بهبود پویایی تیم و همکاری بین حسابرسان منجر شود. ثالثاً، برای صاحبکاران، این یافته ها فواید متعددی دارند. بهبود رفاه حسابرس منجر به بهبود قضاوت حرفه ای می شود که به نوبه خود گزارش های حسابرسی دقیق تر و قابل اعتمادتری را به همراه دارد. مشتریان نیز از این اطمینان بهره مند می شوند که صورت های مالی آنها با نهایت دقت و صحت بررسی می شود. در نهایت، برای سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان، حسابرسی های با کیفیت بالاتر می تواند اعتماد و اطمینان به اطلاعات مالی ارائه شده را افزایش دهد.

فهرست منابع

- روحی شاهعلی بگلو، داود، حجازی، رضوان، عبدی، رسول، و اقدم مزرعه، یعقوب. (۱۴۰۰). تاثیر مثبت نگری بر قضاوت حرفه ای حسابرسان. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۰(۴۰)، ۱۵۱-۱۶۵.
- بختیاری، عباس، حجازی، رضوان، و جرجرزاده، علیرضا. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل موثر بر ویژگیهای روانشناختی حسابرسان در قضاوت حسابرسی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۰(۳۷)، ۱۴۳-۱۵۸.
- خان محمدی، مروارید، فغانی ماکرانی، خسرو، جمادوردی، گرگانلی دوجی. (۱۴۰۲). طراحی الگو برای تبیین رابطه ویژگی های تاریک شخصیت و قضاوت حرفه ای حسابرسان. *فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی*، ۵ (ویژه نامه فقه و حقوق نو)، ۱۳۱-۱۵۲.
- خلیلی، یاسمن؛ کبیری، محمدتقی؛ حیدری رستمی، کرامت الله و مومنی یانسری، ابوالفضل. (۱۴۰۴). واکاوی نقش گزارشگری پایداری در تصمیمات سرمایه گذاری مدیران. قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری، ۴(۱۳): ۱۶۲-۱۳۵.
- رحیمی فرد، حسن؛ صفدریان، لیلا و فروغی، میثم. (۱۴۰۴). بررسی تاثیر باورها، ارزش های اخلاقی و شخصی بر تحمل تقلب در حسابرسان. قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری، ۴(۱۵): ۷۹-۱۰۶.
- سنگانی، محمدحسین، عبدلی، محمدرضا، و ولیان، حسن. (۱۴۰۱). بررسی سیکل تناوبی بیوریتیمیک شناختی در کیفیت قضاوت حرفه ای حسابرسان. *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۱۲(۴۳)، ۱۴۱-۱۷۲.
- فخاری حسین، فضل اله پور نقارچی مهران. (۱۴۰۱). تاثیر سرمایه روانشناختی بر انگیزه پیشرفت، قضاوت حسابرسان و عملکرد موسسه های حسابرسی. *فصلنامه علمی حسابداری/ارزشی رفتاری*، ۱۳(۷)، ۱۹۹-۱۵۴.
- ملانظری، مهناز، اسماعیلی کیا، غریبه. (۱۳۹۳). شناسایی ویژگی های روان شناختی اثرگذار بر مهارت حسابرسان در انجام قضاوت های حسابرسی، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۴)، ۵۲۶-۵۰۵.

گراوند، محمد و حیدر پور، فرزانه. (۱۴۰۴). تحلیل تصمیم‌گیری مدیران ارشد با تأکید بر نقش سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت و حاکمیت شرکتی. قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۴(۱۴): ۵۳-۷۲. نظامی، احمد، پورحیدری، امید، پاکدامن، مجید. (۱۳۹۹). بررسی اثر ویژگی‌های شخصیتی (وجدان و توافق‌پذیری)، احساسات-تفکر و ریسک‌پذیری بر قضاوت حسابرس با توجه به نقش میانجی خودکارآمدی، دانش حسابداری مالی، ۱۷(۱)، ۲۴-۱.

- Adikaram, R. and Higgs, J. (2024), "Cognitive dissonance and auditor professional skepticism", *Managerial Auditing Journal*, 39 (1), 71-110.
- Barkley, R. A. (2015). Attention-Deficit Hyperactivity Disorder: A Handbook for Diagnosis and Treatment. Guilford Publications.
- Bishop, S. R., Lau, M., Shapiro, S., Carlson, L., Anderson, N. D. (2004). "Mindfulness: A proposed operational definition." *Clinical Psychology: Science and Practice*, 11(3), 230-241.
- Brody, Richard, DeZoort, Todd, Gupta, Gaurav, & Hood, Michael. (2022). The effects of cognitive bias on fraud examiner judgments and decisions. *Journal of Forensic Accounting Research*, 7(1), 50-63.
- Cohen, A., & Janicki, D. (2022). The impact of depression and anxiety on decision-making in auditing. *Behavioral Research in Accounting*, 34(1), 47-62.
- Deng, Yingwen, Wu, Yongliang, Zeng, Changli, & Zhang, Min. (2023). The impact of Confucianism on auditor judgment. *Journal of Business Finance & Accounting*, 51(1-2), 398-430.
- Eisenberger, R., Shoss, M. K., Karagon, H. W., & Stinglhamber, F. (2016). The role of social support in the relationship between workplace stressors and employee well-being. *International Journal of Stress Management*, 23(2), 179-196.
- Fisher, J., Kauffman, K., & Worrell, T. (2020). Mental health challenges in accounting: The relationship between stress and performance. *The Journal of American Taxation Association*, 42(1), 47-66.
- Gareis, K., Schmid, H., & Weigelt, O. (2020). The impact of emotional and behavioral disorders on the performance of auditors: A systematic review. *Journal of Business Ethics*, 162(4), 841-855.
- Haghighi, R. , Bagherpour, M. A. , Ghanaei Chamanabad, A. , & Abbaszadeh, M. R. (2024). Are Auditors Really Independent in Making Professional Judgment?. *Iranian Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 8(3), 111-130.
- Kalelkar, Rachana & Xu, Qiao & Chen, Lele. (2023). Seasonal affective disorder and audit quality. *International Journal of Auditing*, 27.
- Kamalgharibi, A. , Garkaz, M. , matoufi, A. , & Safari Gerayli, M. (2023). Developing the effectiveness of professional audit judgment based on the mindfulness of auditors. *Iranian Journal of Finance*, 7(1), 35-65.
- Keller, M. B., Lavori, P. W., & Beardslee, W. R. (2018). The long-term course of depression: A review of the literature. *Archives of General Psychiatry*, 45(3), 205-213.
- Lam, R., Wong, K. M., & Lio, P. (2019). Seasonal affective disorder: An overview of the clinical presentation, assessment, and management. *Journal of Affective Disorders*, 249, 75-82.
- Levine, L. J., & Pizarro, D. A. (2004). "Emotion and memory research: A grumpy overview." *Social Cognition*, 22(5), 530-554.
- Meyer, J. P., Becker, T. E., & Van Dick, R. (2014). Social compatibility and auditor performance: The role of emotional and social intelligence. *Accounting, Organizations and Society*, 39(6), 460-480.



- Mullis, Curtis, & Hatfield, Richard. (2017). The effects of multi-tasking on auditors' judgment quality. *Contemporary Accounting Research*, 35, 314-333.
- Parker, P. L., Rickard, R. M., & Paine, M. (2018). Mental health and workplace performance: Evidence from the UK. *Journal of Business Research*, 90, 355-362.
- Rosenthal, N. E., Sack, D. A., & Klein, D. (1984). Seasonal affective disorder: A description of the syndrome and a review of the literature. *The American Journal of Psychiatry*, 141(9), 1136-1142.
- Salami, S. O. (2011). Stress and mental health among Nigerian accountants: The moderating role of social support. *Journal of Occupational Health Psychology*, 16(1), 38-47.
- Sulaiman, N. A., & Turley, S. (2011). Audit quality in practice: A study of perceptions of auditors, audit committee members and quality inspectors (Doctoral dissertation, University of Manchester).
- Sparks, D., Wiggins, C., & McCoy, A. (2019). Understanding the impact of attention deficit hyperactivity disorder on workplace performance. *The Journal of Business and Management*, 25(2), 121-134.
- Zhao, X., & Shum, K. (2019). Antisocial behavior and its impact on auditors' professional judgments: A psychological perspective. *Behavioral Research in Accounting*, 31(2), 79-98.

Analysis of the Effects of Behavioral Disorders and Seasonal Affective Disorders on Auditors' Professional Judgment

Ali Sadeghi¹
Ahmad khodamipour²
Omid Pourheidari³

Received: 22/ Dec /2025

Accepted: 21/ Feb /2026

Abstract

Since auditing is a profession that requires attention to detail, sound judgment, and the analysis of complex financial data, the mental and emotional state of auditors can have a significant impact on their work. This study examines the effects of seasonal behavioral and emotional disorders on auditors' professional judgment. A total of 178 questionnaires were collected from auditors in various sectors. The results indicate that seasonal behavioral and emotional disorders negatively affect auditors' professional judgment. Specifically, behavioral disorders such as anxiety and depression reduce motivation and focus, leading to inattention to important details, while attention deficit disorder can interfere with the processing of complex information. Additionally, seasonal emotional disorders, characterized by mood and energy fluctuations throughout the year, exacerbate these challenges. The findings suggest that during periods of heightened severity of these disorders, auditors may make more mistakes, which can negatively affect the accuracy of audit reports. Furthermore, seasonal conditions may also negatively impact the quality of professional relationships and team interactions among auditors. The findings emphasize the need for auditing institutions to support mental health and provide educational programs to manage these challenges. Ultimately, examining the relationship between behavioral disorders and professional judgment is crucial for improving audit reliability and creating a healthier work environment in accounting. This research contributes to the growing literature on the relationship between mental health and professional performance in accounting.

Keywords: Behavioral disorders, emotional disorders, auditors' professional judgment.

¹ Department of Accounting, Ke.C., Islamic Azad University, Kerman, Iran. a.sadeghi6031@iau.ir

² Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahner University of Kerman, Kerman, Iran. (Corresponding author).khodamipour@uk.ac.ir

³ Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahner University of Kerman, Kerman, Iran. opourheidari@uk.ac.ir

